

بازتاب مضامین قرآنی پایداری در شعر انصارالله یمن (مطالعه موردی: اشعار معاذ جنید)

احمد امیدوار*^۱ (استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران)

DOI: [10.22034/jilr.2025.142764.1226](https://doi.org/10.22034/jilr.2025.142764.1226)



تاریخ الوصول: ۲۰۲۴/۱۲/۱۶

تاریخ القبول: ۲۰۲۵/۰۱/۲۱

صفحات: ۱۶۷-۱۹۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۳

چکیده

مقاله حاضر به بررسی بازتاب مضامین قرآنی مقاومت در شعر انصارالله یمن، با تمرکز بر اشعار معاذ جنید می‌پردازد. این تحقیق بر این فرض بنا شده است که شعر معاذ جنید نه تنها زبانی برای ابراز احساسات و آرمان‌های انصارالله است، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای انتقال مفاهیم قرآنی و الهامات دینی نیز عمل می‌کند. روش پژوهش در این مقاله، توصیفی تحلیلی است. اهمیت این موضوع در درک عمیق‌تر مضامین قرآنی شعر پایداری انصارالله و نقش ادبیات در تقویت این مضامین است. نتایج نشان می‌دهد که اشعار معاذ جنید به شدت تحت تأثیر مضامین قرآنی مقاومت است. شاعر برای برجسته‌سازی مضامین قرآنی پیرامون نقاط قوت خودی‌ها (ایمان، امداد الهی، آمادگی نظامی، توکل، صبر) و نقاط منفی دشمن (نیرنگ، دوستی با کفار، ترس) از شیوه‌های بلاغی و گزینش‌های زبانی از جمله قطبی‌سازی و هم‌معنایی و... به عنوان رویکرد زبانی بهره برده است و از سوی دیگر با بهره‌گیری از امکانات زبانی مذکور تلاش دارد که نقاط ضعف خودی‌ها (تعداد کم، آسیب‌ها، کمبودتجهیزات) و ویژگی‌های مثبت دشمن (تجهیزات و تعداد زیاد) را به حاشیه براند. افزون بر آن، این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه شعر به عنوان ابزاری برای انتقال پیام‌های قرآنی مقاومت عمل می‌کند.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، مقاومت، انصارالله، معاذ جنید

^۱ نویسنده مسؤول؛ پست الکترونیک: omidvar@quran.ac.ir

تجلیات مضامين القرآن الكريم للمقاومة في شعر أنصار الله في اليمن (دراسة تطبيقية في أشعار معاذ جنيد)

الملخص

يدرس هذا المقال تجليات مضامين القرآن الكريم في مجال المقاومة في شعر أنصار الله في اليمن، مع التركيز على أشعار معاذ جنيد. تنطلق هذه الدراسة من الفكرة القائلة بأن شعر معاذ جنيد ليس مجرد أداة تعبر عن مشاعر حركة أنصار الله وأهدافها، ولكنه يُعدّ أيضًا أداة فاعلة لنقل المفاهيم القرآنية والإلهامات الدينية. تعتمد منهجية البحث في هذه المقالة على الوصف والتحليل. حيث تكمن أهمية الموضوع في تقديم فهم أعمق للمضامين القرآنية المتجسدة في شعر المقاومة لدى أنصار الله وإظهار دور الأدب في تعزيز هذه المضامين ونشرها. تشير النتائج إلى أنّ أشعار معاذ جنيد تأثرت بشكل واضح بمضامين قرآنية تتعلق بفكرة المقاومة. استخدم الشاعر استراتيجيات بلاغية واختيارات لغوية، مثل القطبية والمرادفات، لتسليط الضوء على الميزات الإيجابية للذات (الإيمان، العون الإلهي، الاستعداد العسكري، التوكل، الصبر) وفي المقابل يبيّن النقاط السلبية للعدو، (الخداة، ولاية الكفار، الخوف). ومن جهة أخرى، سعى من خلال الأدوات اللغوية المستخدمة إلى تهميش نقاط ضعف الذات (قلة العدد، الأضرار، نقص المعدات) بينما عمل على تهميش ميزات العدو الإيجابية (وفرة العدد والمعدات). بالإضافة إلى ذلك، يبيّن هذا البحث، كيف يُستخدم الشعر كأداة فعالة في نقل مضامين المقاومة المستوحاة من القرآن الكريم.

الكلمات المفتاحية: القرآن الكريم، المقاومة، أنصار الله، معاذ جنيد

مقدمه

ادبیات مقاومت همواره نقشی مهم در بازتاب مبارزات مردمی و تحولات اجتماعی داشته است. در این میان، قرآن کریم به عنوان منبعی الهام بخش و سرشار از مضامین مقاومت، صبر، جهاد و توکل، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات مقاومت مسلمانان دارد. یکی از نمونه‌های آشکار این اثرگذاری را می‌توان در سروده‌های شاعران انصارالله یمن مشاهده کرد؛ جنبشی که با تکیه بر آموزه‌های قرآنی، مبارزات خود را در برابر ظلم و استکبار سامان داده و از مفاهیم قرآنی در اشعار خود بهره گرفته است.

در زمان حاضر جنبش‌های اسلامی - شیعی از جمله حزب الله لبنان، انصارالله یمن، حشد الشعبی و... سرچشمه تغییر و تحولات بسیاری در عرصه سرزمینی خود و فراتر از آن در منطقه و دنیا هستند. جنبش انصارالله یمن امروزه از ارکان قدرت غرب آسیا به شمار می‌رود. غالباً رسانه‌ها از جنبه‌های ادبی این جنبش غفلت ورزیده‌اند. از جمله فعالیت‌های ادبی آنها می‌توان به (زوامل) یمنی اشاره کرد که سروده‌های جنگی هستند و نوعی از هنرهای بومی و قبیله‌ای یمن به شمار می‌روند که به کوتاهی مشهورند و غالباً از دو بیت شعری تجاوز نمی‌کنند (الزوامل، ۲۰۲۰: ۱).

در کنار این نوع فن شعری بومی و قبیله‌ای، حامیان انصارالله به سرودن اشعار فصیح و انتشار آن در قالب مجموعه‌های شعری نیز پرداخته‌اند. در این بین (معاذ جنید) شاعر برجسته و مشاور وزارت فرهنگ کشور یمن، در سال ۲۰۱۸م نخستین دیوان شعری خویش که بیانگر عقاید و افکار این جنبش شیعی است را به نگارش درآورده است... همان گونه که از نام این جنبش پیدا است مفاهیم قرآن کریم و آموزه‌های اسلامی اثر زیادی در عقاید آنها دارد و طبیعی است که این مفاهیم در شعر آنها که بیانگر عقاید آنهاست نیز نمایان شود و از مهم‌ترین این مفاهیم، مفهوم پایداری است. با توجه به این که انصار الله یمن در بستر فرهنگ اسلامی و متأثر از آموزه‌های قرآنی رشد یافته، بررسی چگونگی بازتاب مضامین قرآنی پایداری در اشعار معاذ جنید، ضرورت می‌یابد.

این پژوهش با تمرکز بر تحلیل اشعار معاذ جنید و بررسی مضامین قرآنی پایداری نهفته در آن، به دنبال ارائه تصویری روشن از نقش قرآن در شکل‌گیری و تقویت ادبیات پایداری این جنبش است تا نشان دهد چگونه مفاهیم قرآنی مانند جهاد، صبر، توکل و ایمان به وعده الهی در ادبیات پایداری آنان تجلی یافته و به عنوان ابزاری الهام بخش در مبارزات سیاسی و اجتماعی‌شان به کار گرفته شده است. توجه به این مسأله می‌تواند به فهم بهتر ارتباط بین آموزه‌های قرآنی و ادبیات مقاومت در جوامع اسلامی کمک کند.

سؤال‌های پژوهش

مهمترین مضامین قرآنی مقاومت که در شعر معاذ جنید باز نمود یافته چیست؟
ابزارها و استراتژی‌های زبانی معاذ جنید در بیان این مفاهیم قرآنی مقاومت کدام است؟

پیشینه پژوهش

تا جایی که بررسی شد، تاکنون هیچ پژوهشی به شعر معاذ جنید نپرداخته است و بررسی جامعی در مورد اشعار وی صورت نگرفته است. باین حال، در حوزه ادبیات پایداری در شعر شعرای یمن، مقالات متعددی نگاشته شده است که از مهم ترین آن ها می توان موارد زیر را نام برد:

بیداری اسلامی در شعر معاصر یمن (مطالعه مورد پژوهش: شعر عبدالله بردونی). تورج زینی وند؛ مجید محمدی؛ و نسرین احمدوندی. (۱۳۹۵ش). فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۵، شماره ۹، (صفحات: ۱۲۵ تا ۱۴۸). این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی به بررسی جلوه های بیداری اسلامی در اشعار این شاعر پرداخته و به این نتیجه می رسد که شاعر در مسیر اصلاح و بیداری حرکت کرده و اشعارش را به صدای آزادی و مبارزه با استبداد و استعمار تبدیل کرده است. او به موضوعات مهمی مانند وطن دوستی، انتقاد از رهبران عرب، و مشکلات آوارگان فلسطینی پرداخته است.

بن مایه های ادبیات مقاومت در شعر ابراهیم ابوطالب. محمدرضا عزیزی پور؛ مسعود باوان پوری و نرگس لریستانی. (۱۳۹۶ش). دو فصلنامه ادبیات دفاع مقدس، دوره ۱. شماره ۱، (صفحات: ۴۲ تا ۲۷). این پژوهش با شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی دیوان «حین بهب نسیمها» می پردازد و اعتراضات شاعر و جنبه های ادبیات پایداری را در شعر او تحلیل می کند. در نهایت، به این نتیجه می رسد که ابراهیم ابوطالب در دیوان خود، تصویر روشنی از شرایط یمن در زمان جنگ داخلی و بیداری اسلامی ارائه کرده و با نگاهی انتقادی به وضعیت کشورش، نارضایتی خود را از ظلم و فساد حاکمان یمن ابراز کرده است و مشکلات موجود را به شدت محکوم می کند.

واکاوی جلوه های پایداری در شعر معاصر یمن (مطالعه موردی: شهید محمد محمود الزبیری). علی قهرمانی؛ فاطمه تنها و حسین الیاسی. (۱۳۹۶ش). مطالعات بیداری اسلامی پاییز و زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۱۲، (صفحات: ۲۹ تا ۵۰). این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته و به این نتیجه رسیده است که ویژگی هایی چون روحیه آزادی، عشق به وطن، دعوت به قیام، توجه به مسئله فلسطین، روحیه مبارزه طلبی، اهتمام به وحدت عرب و امید به آینده ای روشن، از بارزترین جلوه های پایداری در شعر الزبیری به شمار می روند.

تجلیات الثورة والمقاومة فی شعر عبدالعزيز المقالح. امیر فرهنگ نیا. (۱۳۹۷ش). آفاق الحضارة الاسلامیة، الخریف و الشتاء ۱۴۳۹ق - العدد ۴۲، (صفحات: ۱۱۷ تا ۱۴۶). نتایج این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است نشان می دهد که عبد العزیز المقالح نقش قابل توجهی در تأثیر بر جامعه یمن ایفا می کند و به موضوعات اجتماعی نظیر فقر و محرومیت توجه دارد، در عین حال بر اهمیت مسأله فلسطین نیز تأکید می کند. او با رویکردی قوم گرایانه، در تلاش است تا مردم یمن و جهان عرب را به هم نزدیک کند.

هیچ‌یک از پژوهش‌های این حوزه به بررسی ادبیات پایداری در شعر معاذ جنید نپرداخته‌اند، در حالی که این شاعر ارتباط نزدیکی با انصارالله یمن دارد و اشعار او بیانگر عقاید این جنبش است. همچنین پژوهش‌های پیشین بر شعر پایداری شاعران یمنی در سال‌های مبارزه و مقاومت، پیش از تشکیل دولت توسط انصارالله، پرداخته است. اما مضامین اشعار معاذ جنید عمدتاً مربوط به دوره‌ای است که این جنبش به قدرت رسیده و حکومت تشکیل داده است؛ بنابراین در شعر پایداری معاذ جنید، مفاهیم و مسائلی چون مبارزه با استکبار جهانی و ائتلاف کشورهای عربی ضد یمن به طور برجسته مطرح می‌شود، موضوعاتی که در مطالعات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، هیچ‌کدام از پژوهش‌ها به تأثیر مفاهیم و آموزه‌های قرآنی بر ادبیات پایداری یمن نپرداخته‌اند، که یکی از جنبه‌های مهم شعر معاذ جنید است. این پژوهش درصدد است این خلأها را پر کرده و به تحلیل اشعار پایداری معاذ جنید با نگاهی جدید و مبتنی بر مفاهیم قرآنی و پایداری در دوران پس از قدرت‌گیری انصارالله بپردازد. از این رو، این جستار از جهاتی متفاوت از پژوهش‌های پیشین است و در تلاش است تا ابعاد جدیدی از ادبیات پایداری یمن را بازگو کند.

مفاهیم نظری پژوهش

مقاومت در قرآن کریم

مبارزه میان حق و باطل، از سنت‌های همیشگی الهی بوده و بر اساس آموزه‌های دینی، پیروزی جبهه حق مستلزم شرایطی است که بدون مقاومت به دست نمی‌آید. ایستادگی و استقامت، از اصول بنیادینی به شمار می‌رود که پیامبران الهی (ع) بدون پایبندی به آن، قادر به انجام مأموریت‌های الهی خود نبودند. آنان با ایستادگی در برابر رسوم نادرست و ساختارهای اجتماعی فاسد، و با فداکاری و پایداری در این مسیر، به اصلاح جوامع پرداخته و بدون هیچ‌گونه ترس از سختی‌ها و موانع موجود، مسئولیت‌های سنگین الهی خود را به سرانجام رساندند. اسلام مدعی جامعیت، جهان شمولی و سعادت بخشی است و به همه نیازها توجه نموده است (مطهری، ۱۳۹۰: ۶۵)؛ بنابراین، طبیعی است که به عنوان جریان حق، دارای اصول، قواعد و مفاهیمی در زمینه مقاومت باشد. خود واژه مقاومت در قرآن کریم به کار نرفته است ولی مشتقات آن در قرآن کریم از ریشه استقامت آمده است مانند فعل امر استقم (هود: ۱۱۲)؛ استقیما (یونس: ۸۹)؛ استقیموا (توبه: ۱۰)؛ که دعوت به مقاومت کرده است یا کاربرد فعل مضارع آن یستقیم (تکویر: ۲۸) و ماضی‌اش استقاموا (فصلت: ۳۰) ویژگی‌های اهل مقاومت و آثار آن را بیان می‌کند. در آیات دیگری که مشتقات این ریشه در آنها به کار نرفته است، نیز در مورد مضامین و مبانی مقاومت سخن گفته شده است، مانند دعوت به صبر و شکیبایی به هنگام جهاد در آیه ۶۵ سوره انفال: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنَّ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا

يَقْفَهُونَ». ترجمه: «ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند!» (ترجمه مکارم شیرازی). در قرآن کریم، مقاومت با مفاهیمی چون صبر، بردباری و ثابت قدمی مرتبط است. از عوامل دستیابی به استقامت و پایداری می‌توان به مژده پیروزی در جنگ، یاری خواستن از خدا، یادآوری نعمت‌های الهی، پایبندی به پیمان، دوری از وسوسه‌های مشرکان و حفظ راه درست اشاره کرد. قرآن کریم، استقامت را سبب بهره‌مندی از امداد غیبی و دوری از ترس و اندوه می‌داند. (میرحسینی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۸۹ و بعد آن).

ادبیات پایداری

ادبیات پایداری نوعی از ادبیات متعهد است که توسط مردم و رهبران فکری جامعه در برابر تهدیدات معنوی و مادی در زندگی ایجاد می‌شود. مهم‌ترین مسائل در این نوع ادبیات شامل دعوت به مبارزه، انتقاد از ظلم، ترویج آزادی، نشان دادن امید به پیروزی، بیان مظلومیت مردم، تجلیل از فداکاری مبارزان آزادی و ارج نهادن به شهدای این راه است. این نوع ادبیات در طول تاریخ و در برابر حملات قدرت‌ها، همواره به عنوان یک سلاح بازدارنده عمل کرده و باعث احیا، ادامه و بقای فرهنگی جوامعی شده است که مورد حمله یا تحت سلطه قرار گرفته‌اند. (کنفانی، ۱۳۶۱: ۱۷) ادبیات پایداری به طور کلی به معنای مقاومت در برابر هر چیزی است که انسان آن را ناپسند می‌شمارد و خواهان حذف آن از زندگی خود است و در عین حال شامل دفاع از ارزش‌هایی است که انسان بر اساس معیارهای خود درست می‌داند. (صرفی، ۱۳۹۳: ۲۰۸) در این زمینه، ادیبان و شاعران نقشی برجسته دارند و از ادبیات به عنوان ابزاری برای ترغیب و تشویق مردم به حفظ و دفاع از ارزش‌های ملی و دینی در برابر مهاجمانی که قصد تحمیل سلطه خود را دارند، بهره می‌برند (کیانی و میرقادری، ۱۳۸۸: ۱۲۹). این گونه ادبی معمولاً با زبانی روشن و صریح بیان می‌شود و بسته به شرایط و ویژگی‌های هر دوره تاریخی، شکل و شیوه ظهور آن می‌تواند متفاوت باشد. برای مثال، در برخی دوره‌ها، ادبیات معترض و افشاگرانه و در دوره‌های دیگر، ادبیات عارفانه و زاهدانه یا حتی ادبیات سوگ و مرثیه را می‌توان بخشی از ادبیات پایداری به شمار آورد. (سیدی و سالم، ۱۳۹۱: ۱۸۷)

انصار الله یمن

جنبشی سیاسی و مذهبی است که بخش‌هایی از کشور یمن را در اختیار دارد (سیدکامل، ۲۰۱۷: ۱۹). این جنبش متأثر از انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های امام خمینی (ره) می‌باشد (المنتدی العربی، ۱۳۹۸: ۱). مذهب اعضای این جنبش سیاسی- مذهبی، جارودیه یکی از فرقه‌های زیدیه است که نزدیک‌ترین اندیشه‌ها به شیعه دوازده امامی را دارند (همان). این جریان متأثر از اندیشه‌های بدرالدین

الحوثی است و رهبر فکری آن حسین بدرالدین الحوثی می‌باشد. به دلیل انتساب به حسین الحوثی به نام حوثی‌ها نیز شناخته شده‌اند. جنبش انصارالله قبلاً در چارچوب تشکیلاتی فرهنگی به نام انجمن جوانان مؤمن (تنظیم الشباب/المؤمن) به کنش‌گری می‌پرداخت. در زمان رهبری عبدالملک حوثی، این جنبش با استقبال عمومی مردم یمن روبه‌رو شد و به یک جنبش گسترده تبدیل گردید. (طاقتی و آقایی، ۱۳۹۸: ۲۵۲).

معاذ الجنید

او معاذ محمد احمد الجنید، مسلمان و اهل کشور یمن است که در سال ۱۹۸۶م در شهر تعز یمن به دنیا آمد و از شعرای منتسب به انصارالله و مشاور وزارت فرهنگ کشور یمن است. او از همان روز نخست جنگ، با سروده‌هایش در میدان جنگ و رویارویی حاضر شد و با اشعارش در برابر ائتلافی متشکل از بیست کشور که علیه یمن صف‌آرایی کرده بودند، ایستاد. سروده‌های او نه تنها بخشی از جنگ روانی و معنوی در برابر دشمن است، بلکه تاریخ کاملی از رشادت‌ها و پیروزی‌های مردم یمن را نیز به تصویر کشیده است. برای هر نبرد، شعری سرود و برای هر پیروزی، بهترین بیان را در قالب شعر ارائه داد. (سبتمبرت: ۲۰۲۲: ۱) او در جشنواره‌های مختلف جوایز متعددی به دست آورده است به عنوان مثال در سطح کشورهای عربی در مسابقه (قصیده/التحدي) که در سال ۲۰۰۸م در امارات برگزار شد رتبه دوم را به دست آورد. وی قصائد فراوانی سروده است که در قالب کلیپ‌های صوتی و تصویری با صدای خودش در کانال‌های مجازی داخلی یمن و عربی پخش کرده است. از آثار او می‌توان کتاب الربیع (مجموعه اشعار شاعران انقلاب یمن)، کتاب فلیتصفو (مجموعه اشعار شاعران انقلاب یمن) و دیوان «محمدیون» را نام برد (ن. ک: جنید، ۲۰۱۸: ۲۷۷ - ۲۷۹). دیوان «محمدیون» منبعی برای بررسی اندیشه‌ها و افکار مقاومت یمنی‌ها در برابر دشمنان بر اساس قرآن کریم در این پژوهش است. وی در حال حاضر در شهر صنعا در یمن اقامت دارد (همان). با بررسی اشعار او، تأثیر قرآن کریم در آن به‌طور آشکار نمایان می‌شود.

تحلیل و بررسی

برجسته سازی نقاط قوت جبهه خودی

از جمله آموزه‌های قرآن کریم در بیان راه مقاومت و پیروزی بر دشمنان تکیه بر توان خود و برجسته‌سازی ویژگی‌های مثبت است. این ویژگی‌ها در قرآن کریم عبارتند از:

۱- ایمان به خداوند و امدادهای الهی

در گفتمان قرآنی مهم‌ترین نکته برجسته، ایمان به خداوند متعال و امدادهای وی است، ﴿فَأَيُّدُنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عُدُوهُمْ فَاصْبِرُوا طَاهِرِينَ﴾ (صف: ۱۴) ترجمه: «ما کسانی را که ایمان آورده بودند در

برابر دشمنانشان تأیید کردیم و سرانجام بر آنان پیروز شدند!» (ترجمه مکارم شیرازی) این عامل آنچنان اهمیت دارد و در قرآن کریم برجسته شده که حتی از عوامل ظاهری پیروزی بر دشمنان نیز برتر شمرده می‌شود، ﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ (آل عمران: ۱۲۶) ترجمه: «پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است.» (ترجمه مکارم شیرازی) معاذ جنید از این مفاهیم قرآنی در شعر خود بهره برده است. از این رو به بررسی اشعار او بر اساس این نکته قرآنی پرداخته می‌شود.

الْيَوْمَ نُنْثِبُ لِلْجُودِ بَأً مَنْ وَالَاكَ... بِالنَّصْرِ الْعَزِيزِ يُؤَيَّدُ
اللَّهُ بِالْفَتْحِ الْمُبِينِ يَخْفُنَا وَمَنْ الرِّسُولُ تَشُدُّ أَيْدِينَا... يَدُ
(جنید، ۲۰۱۸: ۱۹)

ترجمه: امروز ما به هستی ثابت می‌کنیم که هر کس با تو دوستی کند، با یاری قطعی حمایت خواهد شد. خداوند، ما را با پیروزی آشکار دربرمی‌گیرد. دستی از جانب پیامبر، دستان ما را نیرومند می‌کند.

شاعر در این شعر از استراتژی زبانی هم‌معنایی بهره برده است که عبارت است از آوردن واژگانی که تقریباً و نه کاملاً معنای یکسان دارند ولی با کلمات مختلف صورت‌بندی شده‌اند (ون‌دایک، ۱۳۹۴: ۶۹). این الفاظ عبارتند از: (یؤید، الفتح المبین، تشدّ ایدینا). بدین ترتیب، در تلاش است تا این مضمون قرآنی را منتقل کرده و برجسته سازد. از سوی دیگر آوردن لفظ الله در ابتدای کلام بیانگر اهمیت آن است که می‌تواند نشانه‌ای از ایمان و یاری الهی باشد. تقدیم مسند الیه اهدافی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به ابراز احساسات گوینده و علاقه‌مندی نسبت به مسند الیه اشاره کرد (میرباقری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۰). در واقع، جملات، ساختار و ترتیب آن‌ها امری طبیعی و بی‌طرف نیستند و چینش کلمات نیز بر معنا دلالت دارد. (ون‌دلیک، ۱۳۸۹: ۴۴۰)؛ بنابراین آوردن لفظ الله در ابتدای جمله در برجسته‌سازی معنای ایمان اثرگذار است. همچنین می‌سراید:

أَمَدَنَا اللَّهُ نَصْرًا فَوْقَ مَا جَمَعُوا؛ لِأَنَّا قَدْ صَدَقْنَا فِي تَوَلَّيْنَا
(جنید، ۲۰۱۸: ۴۹)

ترجمه: خداوند ما را بیش از آنچه جمع کردند یاری کرد؛ چرا که ما در ولایت‌پذیری و دوستی خود، صادق بوده‌ایم.

در این بیت شعری گزینش واژگان بیانگر نوع گفتمان شاعر است که نشان‌دهنده ایمان به امداد و یاری الهی در برابر جمع دشمنان، است. واژگان را می‌توان به دو گروه نشاندار (Marked) و

بی‌نشان (Umarked)^۱ تقسیم کرد، گروه اول از واژگان علاوه بر اشاره به مصادیق و معانی خاص، بیانگر نگرش فرستنده کلام نیز هستند (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۶۳).

۲- بهره‌گیری از امکانات و آمادگی کامل

قرآن کریم علاوه بر تأکید بر ویژگی ایمان به خداوند و یاری‌های الهی، به بهره‌گیری از همه توانمندی‌ها و تجهیزات و آمادگی کامل برای رویارویی با دشمنان نیز تأکید دارد و در پی برجسته‌سازی این ویژگی است «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) ترجمه: «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [= دشمنان]، آماده سازید» (ترجمه مکارم شیرازی). در کنار ویژگی ایمان، نکته دیگری که برجسته‌سازی می‌شود، آمادگی کامل برای پیروزی بر دشمنان است.

أَتَاكَ أُولُوا بَأْسٍ وَعِزٍّ وَقُوَّةٍ فَأَنْتَ بِكُلِّ الْاِحْتِمَالَاتِ... خَائِبٌ
أَتَاكَ الْيَمَانِيُّونَ وَالْمَوْتُ خَلَفَهُمْ فَحِلْفُكَ مَهْزُومٌ وَجِيشُكَ هَارِبٌ
صَوَارِيَهُمْ مَحْمُولَةٌ فِي أَكْفِهِمْ مَنْصَأُهَا أَكْتَافُهُمْ وَالْمَنَاكِبُ

(جنید، ۲۰۱۸: ۳۸)

ترجمه: افرادی با قدرت، مصمم و نیرومند به سراغ تو آمده‌اند. با همه احتمالات، تو ناامید هستی. یمنی‌ها نزد تو آمده‌اند در حالی که مرگ پشت سر آنهاست. اتحاد تو شکست خورده و ارتشت در حال فرار است. موشک‌های آنها در کف دست حمل می‌شود. سکوهای پرتابشان کتف‌ها و شانه‌هایشان است.

شاعر در بیت اول از استراتژی زبانی هم معنایی برای برجسته‌سازی این مضمون قرآنی بهره برده است، با به‌کار بردن عبارات (بأس، عزم و قوه) معنای آمادگی کامل در رویارویی با دشمن را برجسته‌سازی کرده است. ساختارهای بیانی همچون تشبیهات، استعارات، مجازها و... بستری مناسب برای بیان تجربه‌های فردی، ایدئولوژی و اعمال قدرت، معناسازی و هویت بخشی به تجربیات درون فردی هستند (قادری؛ وهمکاران، ۱۴۰۲: ۳۵). و در حقیقت، ساختارهای بلاغی می‌تواند تابعی از کنترل ایدئولوژیک بشوند (ون‌دایک، ۱۳۸۹: ۴۴۹). در بیت سوم استعاره صواریخ برای اسلحه‌های سبک یا تشبیه کتف و دوش به سکوی پرتاب موشک بیانگر ایدئولوژی ضرورت آمادگی کامل در مبارزه با دشمن است. از دیگر شگردهای زبانی که معاذ جنید در این ابیات برای برجسته‌سازی معنای مورد

^۱ واژگان نشان‌دار می‌توانند بار معنایی یا احساسی خاصی داشته باشند که سبب می‌شود آنها بیشتر جلب توجه کنند. این واژه‌ها ممکن است به‌طور آشکار هویت خاصی را نمایان کنند. واژگان بی‌نشان، واژگانی هستند که معمولاً در قالب‌های عمومی و ساده به‌کار می‌روند و هیچ ویژگی خاصی ندارند. این واژه‌ها معمولاً بی‌طرف هستند و مفاهیم معمولی و عادی را بیان می‌کنند (رک. نبی‌زاده سرابندی، ۱۳۷۲: ۱۲-۱۹).

نظر خود بهره برده، غیریت‌سازی^۱ است. غیریت‌سازی نقش دهنده اصلی در هویت‌سازی است که به معنای مبارزه و تقابل برای خلق معنا می‌باشد (امیری و احمدی نژاد، ۱۳۹۷: ۲۷). در این ابیات، تقابل میان مقاومت و استکبار به روشنی نمایان است، جایی که خود را اهل پیروزی و دشمن را شکست‌خورده می‌شمرد. در جای دیگر نیز می‌گوید:

لَا زِلْتَ يَا رَبِّ فِي كُلِّ الْجِهَاتِ لَنَا دَرْعًا، سِلَاحًا، ثِيَابًا، قُوَّةً، زَنْدًا

(جنید، ۲۰۱۸: ۹۷)

ترجمه: خداوند، همواره از هر سو برای ما سپری، سلاحی، استواری، نیرویی و بازویی باشی. شاعر در این بیت با آوردن واژگان (درع، سلاح و زند) از شیوه بلاغی مراعات النظیر بهره برده است که در علم بدیع تناسب و ائتلاف نیز نامیده می‌شود و آن عبارت است از آوردن چند واژه که با یکدیگر تناسب دارند (التفتازانی، ۲۰۰۱: ۶۴۴). یکی از فواید مراعات النظیر تأکید و مبالغه است که حاصل تصویر آفرینی یک فضا با جزئیات است (شجاعی و نظری، ۱۳۹۶: ۱۹۰). این واژه‌ها در اینجا فضای نبرد و آمادگی برای آن را بیان می‌کنند و شاعر با این شیوه بیانی، این مفهوم قرآنی مقاومت را برجسته ساخته است.

۳- توکل

توکل نیز عنصر برجسته دیگری از ویژگی‌های مثبت در گفتمان قرآنی مقاومت به شمار می‌رود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (مائده: ۲۳) ترجمه: «گفتند: شما وارد دروازه شهر آنان شوید! هنگامی که وارد شدید، پیروز خواهید شد. و بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید!». (ترجمه مکارم شیرازی) معاذ جنید نیز در این زمینه، چنین می‌سراید:

بِ— (حَسْبُنَا اللَّهُ) أَرْبَكْنَا قَنَابِلَكُمْ وَبِالْبِنَادِقِ وَاجْهَنَا الْأَسَاطِيلَا!

(جنید، ۲۰۱۸: ۳۱)

ترجمه: با (خدا ما را بس است) بمب‌های شما را به هم ریختیم و با تفنگ‌ها با ناوگان‌ها روبرو شدیم!

شاعر در این بیت با اقتباس از قرآن کریم مفهوم توکل را برجسته‌سازی کرده و آن را در برابر تجهیزات دشمن غیریت‌سازی کرده‌است. بدین صورت که با توکل بر خداوند، بمب‌ها، تفنگ‌ها، و

^۱ غیریت‌سازی (Othering)، به فرایندی اشاره دارد که در آن یک گروه، هویت خود را از طریق ایجاد تمایز با یک "دیگری" یا "غیر" تعریف می‌کند. در این فرایند، خود (ما) و دیگری (آنها) به گونه‌ای بازنمایی می‌شوند که معمولاً گروه خودی دارای ویژگی‌های مثبت و برتر و گروه غیر، با ویژگی‌های منفی و تهدیدآمیز معرفی می‌شود. (رک باقری، ۱۴۰۲: ۳۴-۳۵)

ناوها را در هم می‌شکنند و این غیریت‌سازی نقش مهمی در برجسته‌سازی این مضمون قرآنی دارد. این عبارت قرآنی در آیه ۱۷۳ سوره آل عمران ذکر شده است. هنگامی که منافقان از یاری اسلام سر باز زدند، برای دلسرد کردن مسلمانان و بازداشتن آنان از رفتن به جنگ، به آنها گفتند: «مشرکان لشکری بزرگ برای جنگ با شما فراهم کرده‌اند.» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۹۷/۴)، ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران: ۱۷۳). ترجمه: «اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «مردم [= لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند؛ از آنها بترسید!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست.» (ترجمه مکارم شیرازی). این موضوع به خوبی تقابل میان دو نگرش، یکی مبتنی بر مقاومت و دیگری وابسته به مادیات را نشان می‌دهد. شاعر در جای دیگر نیز می‌گوید:

تَوَكَّلْ مُطْلَقٌ بِاللَّهِ يَرْبُطُهُ؛ لَدَا بَدَا كُلُّ شَيْءٍ مِنْهُ يَرْهَبُ

(همان: ۱۰۶)

ترجمه: توکل مطلق بر خدا او را استوار می‌سازد؛ بنابراین به نظر می‌رسد هر چیز از او می‌ترسد. واژگان از جمله اسم‌ها، فعل‌ها، صفت‌ها و قیدها افزون بر معانی صریح خود، دارای معانی پنهان نیز هستند. (حامدی شیروان و زرقانی، ۱۳۸۸: ۴۵)؛ بنابراین، توجه به واژگان در تحلیل گفتمان امری بسیار مهم است. شاعر در این بیت با نکره آوردن واژه «توکل»، معنای تعظیم را منتقل می‌کند و با قید مطلق بر آن تأکید کرده و آن را برجسته می‌سازد. تقدیم «بالله» بر فعل «یربطه» برای بیان حصر است و تأکیدی دیگر بر توکل مطلق است. فعل مضارع معنای استمرار را افاده می‌کند و نشان‌دهنده تداوم این توکل است. همه این موارد، مؤلفه‌های واژگانی هستند که مفهوم توکل به خداوند را برجسته می‌سازند که در شعر معاذ جنید به خوبی منعکس شده است.

۴- صبر

صبر از ویژگی‌های مثبت اندیشه قرآنی مقاومت است و از عوامل افزایش قدرت و پیروزی بر دشمنان به شمار می‌رود. ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال: ۴۶) ترجمه: «و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است!» (ترجمه مکارم شیرازی)؛ ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (انفال: ۶۵) ترجمه: «ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر

با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند!». (ترجمه مکارم شیرازی). معاذ جنید در زمینه صبر چنین سروده است:

سَلَاخُنَا الصَّبْرُ... لَا زَلْنَا نُجِشُهُ؛ حَتَّى نَصِيرَ بِهِ طَيْرًا أَبَابِيلًا

(جنید، ۲۰۱۸: ۳۱)

ترجمه: سلاح ما صبر است... همواره آن را بسان لشگر، گردآوری و بسیج می‌کنیم؛ تا اینکه به واسطه آن، به پرندگان ابابیل تبدیل شویم.

شگرد بلاغی تشبیه صبر به سلاح در این بیت شعری بیانگر این است که صبر برای گروه انصارالله یمن تنها یک فضیلت اخلاقی نیست؛ بلکه بخشی از اندیشه قرآنی مقاومت و ابزاری برای آن است. معرفه آوردن خبر در اینجا نیز برای بیان حصر است و این مفهوم را برجسته کرده و بر آن تأکید می‌کند. همچنین در این بیت شعر، استعاره مکنیه به کار رفته است و صبر به مانند «لشگر» یا «سرباز» به تصویر کشیده شده است. در واقع، این استعاره نشان می‌دهد که صبر به مانند یک نیروی نظامی است که همیشه آماده است و در مواقع نیاز بسیج و سازماندهی می‌شود. این استعاره نیز تأکید دیگری بر جایگاه صبر در این شعر است. در جای دیگر می‌گوید:

أَفْرَغْتَ صَبْرًا عَلَيْنَا هَذَا فُؤُومٌ أَيْدَتْنَا بِصُومِدٍ شَاقَّهُمْ كَذَا

(همان، ۹۷)

ترجمه: صبری بر ما فرو ریختی (نازل کردی) که نیروی آنها را در هم شکست. با استواری از ما حمایت کردی که برایشان سخت بود.

این بیت شعری ارجاعی است به آیه ۲۵۰ سوره بقره و مبارزه مؤمنان با لشکریان جالوت که در آن از خداوند متعال درخواست صبر و استقامت کردند و ارجاعی به مفهوم مقاومت قرآنی است: ﴿وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أَعْدَامُنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره: ۲۵۰). ترجمه: «و هنگامی که در برابر (جالوت) و سپاهیان او قرار گرفتند گفتند: «پروردگارا! پیمانۀ شکیبایی و استقامت را بر ما بریز! و قدمهای ما را ثابت بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز بگردان!». (ترجمه مکارم شیرازی). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: «کلمه إفراغ که فعل امر أفرغ، مشتق از آن است به معنای ریخته‌گری است، یعنی فلز آب شده‌ای را در قالب بریزند، و منظور از آن در اینجا این است که خدای تعالی صبر را در دل آنان و به قدر ظرفیت دل‌هایشان بریزد. پس در حقیقت این تعبیر، استعاره از کنایه لطیفی است، و همچنین تثبیت اقدام کنایه است از اینکه ایشان را در جهاد ثابت قدم کند تا فرار نکنند.» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴۴۳/۲). خداوند به داستان طالوت و جالوت و داوود اشاره می‌کند تا مؤمنانی که مأمور به جنگ با دشمنان دین هستند، عبرت بگیرند و

بدانند که پیروزی و حکومت، همواره از آن ایمان و تقواست، حتی اگر اهل آن اندک باشند، و در مقابل، خواری و نابودی، سرنوشت نفاق و فساد است، هرچند پیروان آن بسیار باشند. (همان: ۴۳۰)

معاذ جنید این بیت شعر را با الهام از آیه ۲۵۰ سوره بقره سروده است و به قدرت صبر و پایداری در برابر دشمن اشاره دارد. او صبر را به عنوان عاملی اساسی برای پایداری و پیروزی معرفی می‌کند و برای برجسته‌سازی این معنا، از پدیده زبانی استعاره بهره می‌گیرد. کاربرد استعاره‌ای قرآنی در این بیت شعر به خوبی نشان می‌دهد که پایداری در شعر او با آموزه‌های قرآنی و دینی پیوند محکمی دارد و از آن الهام گرفته است. و عوامل زبانی نیز این معنا را برجسته کرده‌اند، از جمله نکره آوردن واژه «صبر» که دلالت بر عظمت آن دارد. پیروزی صبر مبارزان بر قدرت و توان دشمنان در این بیت شعر یکی از ابعاد برجسته‌سازی مفهوم صبر است.

برجسته سازی نقاط منفی و ضعف دشمن

در ادبیات پایداری معمولاً بر نکات مثبت، مانند صبر، استقامت و شجاعت تأکید می‌شود تا روحیه مبارزان تقویت شود. با این حال، پایداری پدیده‌ای یک‌سویه نیست، زیرا در مقابل جبهه مقاومت، دشمنانی قرار دارند که ویژگی‌هایی دارند. بیان و برجسته‌سازی ویژگی‌های منفی و ضعف آن‌ها مانند ظلم، فساد و ضعف‌های دیگر، نه تنها تصویر واقعی دشمن را نمایان می‌کند؛ بلکه اهمیت ارزش‌های مثبت مانند صبر، یاری خداوند و... را برجسته می‌کند. همچنین با نشان دادن نقاط ضعف دشمن، انگیزه پایداری و پیروزی در برابر آن فراهم می‌شود و این امر به مبارزان کمک می‌کند تا با آگاهی و قدرت بیشتری در برابر دشمنان بایستند؛ بنابراین، پرداختن به ویژگی‌های منفی دشمن در ادبیات پایداری ضروری است. دشمن اصلی انصارالله یمن، جبهه استکبار شامل آمریکا، رژیم غاصب صهیونیستی و حامیان آن‌ها از جمله ائتلاف سعودی شامل عربستان، امارات، قطر، کویت، بحرین، مراکش و برخی دیگر کشورهای عربی است. برخی آیات قرآن که به موضوع مقاومت اشاره دارند، ویژگی‌های منفی‌ای درباره دشمنان مطرح کرده‌اند که عبارتند از:

۱- مکر و نیرنگ

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید که نیرنگ دشمنان به خودشان باز می‌گردد. ﴿وَمَكْرُوهَا وَمَكْرُوهَا﴾ (ال عمران: ۵۴). ترجمه: «و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش، نقشه کشیدند؛ و خداوند (بر حفظ او و آیینش،) چاره‌جویی کرد؛ و خداوند، بهترین چاره‌جویان است.» (ترجمه مکارم شیرازی) یا در جای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ﴾ (نساء: ۱۴۲). «ترجمه: منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آنها را فریب می‌دهد.» (ترجمه مکارم شیرازی).

أَرَادُوا خِدَاعَ اللَّهِ! بِاللَّهِ آمَنُوا سَنِينًا! وبالطَّاعوتِ لَمْ يَكْفُرُوا يَوْمًا

(جنید، ۲۰۱۸: ۲۸)

ترجمه: می‌خواستند خدا را فریب دهند! سالها به خدا ایمان داشتند! و هرگز به طاعوت کافر نشدند.

این بیت شعری نیز ارجاعی به آیه ۱۴۲ سوره نساء دارد که بیانگر وضعیت منافقان و دشمنان داخلی است که می‌خواهند خداوند متعال را فریب دهند؛ ولی خداوند فریب و نیرنگ ایشان را به خودشان باز می‌گرداند. شاعر در این بیت از صنعت آیرونی^۱ استفاده کرده است. عبارت «آمنوا بالله سنینا» (سال‌ها به خدا ایمان داشتند!) در واقع به نوعی تمسخر و برجسته‌سازی فریبکاری دشمنان است و به نفی ایمان واقعی آن‌ها اشاره دارد. این جمله در ظاهر نشان‌دهنده ایمان است، اما در حقیقت، نشان می‌دهد که این ایمان ظاهری هیچ‌گاه به مرحله دشمنی با طاعوت و کفر به آن نرسیده است. در عمل، این ایمان به خدا کاملاً نادرست و دور از حقیقت است. بنابراین، لحن و اعتقاد شاعر برخلاف آن چیزی است که در ظاهر بیان شده است و در پس این واژگان، انقاد و مخالفت با رفتار منافقانه دشمنان به وضوح مشاهده می‌شود. او در شعر دیگری می‌گوید:

(وَمِنْ آيَاتِهِ) ... سُبْحَانَ رَبِّي تَزُولُ مَكَائِدُ وَمُؤَامِرَاتُ

(جنید، ۲۰۱۸: ۷۲)

ترجمه: و از نشانه‌های او (... منزّه است پروردگار من) این است که دسیسه‌ها و توطئه‌ها از بین می‌رود.

شاعر در این بیت شعری نیز ویژگی منفی دشمنان که فریب و نیرنگ باشد را به تصویر می‌کشد و بین آن و قدرت خداوند متعال، تقابل و دو قطبی^۲ برقرار می‌کند که در برجسته‌سازی این نکته منفی دشمنان مؤثر است. همچنین استراتژی هم معنایی میان (مکائد و مؤامرات) را نیز می‌توان از شگردهای زبانی برجسته‌سازی در این شعر برشمرد.

۲- دوستی با کافران

یکی از نقاط ضعف دشمنان داخلی که قرآن کریم برمی‌شمارد و نشانه‌ای برای عدم حقانیت جبهه باطل داخلی است، دوستی با کافران است. گاهی پیش می‌آید که یک گروه یا چند گروه از مسلمانان با یکدیگر به مبارزه می‌پردازند و چه بسا هر گروه خود را بر حق بدانند اما یک نشانه که می‌توان

^۱ آیرونی عبارت است از اثبات چیزی با نفی متضاد آن و از انواع ریشخند شمرده می‌شود (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۵۴).

^۲ قطب‌بندی یا تقابل زمانی به وجود می‌آید که تضاد منافع و رقابت میان دو گروه وجود داشته باشد یا یکی از آن‌ها بر دیگری تسلط پیدا کند. در این شرایط، ایدئولوژی در گفتمان خود را نشان می‌دهد و این امر باعث شکل‌گیری قطب‌بندی میان «ما» و «آن‌ها» می‌شود که نشانه‌ای از تقابل میان دو گروه است (افضلی و غیاثیان، ۱۴۰۱: ۱۰).

برای جبهه باطل برشمرد که البته ویژگی منفی آنها نیز می‌باشد، دوستی با کافران و دشمنان مسلمانان است؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا﴾ (نساء: ۱۴۴). ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید! آیا می‌خواهید (با این عمل) دلیل آشکاری بر ضدّ خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟!» (ترجمه مکارم شیرازی). خداوند متعال در این آیه خطاب به مسلمانان می‌فرماید که در جبهه دشمن قرار نگیرند، مانند آنچه ائتلاف سعودی در تکیه بر اسرائیل و آمریکا انجام می‌دهد و یا در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ (هود: ۱۱۳). ترجمه: «و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد» (ترجمه مکارم شیرازی). بنابراین، تکیه بر کافران و مستکبران از جمله ویژگی‌های منفی دشمنان داخلی است که قرآن کریم به‌وضوح بر آن تأکید دارد. معاذ جنید نیز در این زمینه چنین سروده است:

وَرَفَعْنَا: شَعَارَ (هِيَهَات) رَفَضًا وَاقْتَفَيْنَاكَ... غُدَّةً وَعَدِيدًا
وَصَرَخْنَا بِوَجْهِ كُلِّ دَعِيٍّ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ تَوَلَّى يَزِيدًا
(جنید، ۲۰۱۸: ۲۷۳)

ترجمه: پرچم و شعار (هی‌هات: دور باد از ما ذلت) را برای نپذیرفتن برافراشتیم و بارها با تجهیزات و نفرت از شما پیروی کردیم. و در برابر هر حرامزاده‌ای فریاد زدیم: (خدا لعنت کند هر که را با یزید دوستی کند).

شاعر در این دو بیت شعری با بهره‌گیری از میراث شیعه، ماجرای شهادت امام حسین علیه السلام، ظلم و ستم یزید و مسأله پشت کردن یاران به حضرت را بیان کرده و با استفاده از آرایه تلمیح^۱ به برجسته‌سازی ویژگی منفی دشمنان داخلی که همان دوستی با کفار است می‌پردازد. گاهی فرستنده کلام همه باورها و داشته‌هایش را به زبان نمی‌آورد و در واقع بخشی از آن به صورت تلویحی باقی می‌ماند و مخاطب می‌تواند چنین اطلاعاتی را از دانش خود یا نگرش‌های مشترک دریافت کند (قاسمی اصل و نیازی، ۱۳۹۸: ۳۴۳) که این مسأله در برجسته‌سازی مؤثر است. معاذ جنید واژه «دعی: حرامزاده» در بیت دوم را از سخنان امام حسین (ع) در روز عاشورا وام گرفته است. امام حسین (ع) در آن سخنرانی تاریخی بیان می‌کنند مبنی بر اینکه یزید حرامزاده (الدعی بن الدعی: یزید بن معاویه) او را بین دو انتخاب قرار داده است: جنگ یا تن دادن به ذلت. امام حسین (ع) با قاطعیت می‌فرمایند که مرگ را بر زندگی با ذلت ترجیح می‌دهند (ر. ک محمدی ری‌شهری و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۳). معاذ جنید نیز با استفاده از این واژه، بیان می‌کند، همان‌طور که امام حسین (ع) در برابر ظلم و فساد یزید مقاومت کرد، آنها نیز در برابر ظلم، هرگز تن به ذلت نداده و مرگ را بر آن ترجیح

^۱ صنعت تلمیح دربردارنده نوعی از ایجاز است که با الفاظ کم بر معانی بسیار دلالت دارد (قیس رازی، ۱۳۷۳: ۳۲۵).

خواهند داد. او در ادامه شعر نیز با نفرین فرستادن بر کسانی که با یزید و ظالمان و متجاوزان دوستی کردند، بر همین معنا تأکید می‌کند.

۳- خوف و ترس

ترسی که خداوند در دل دشمنان می‌اندازد از دیگر نقاط ضعف دشمنان در گفتمان قرآنی مقاومت است ﴿سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ﴾ (آل عمران: ۱۵۱). «ترجمه: بزودی در دل‌های کافران، بخاطر اینکه بدون دلیل، چیزهایی را برای خدا هم‌تا قرار دادند، رعب و ترس می‌افکنیم» (ترجمه مکارم شیرازی). معاذ جنید نیز این ترس را چنین به تصویر می‌کشد:

نَعْمَ... يَا طُغَاةَ الْأَرْضِ: نَحْنُ زَوَالُكُم تَخَوُّفُكُمْ مِنْ شَعْبِنَا... لَمْ يَكُنْ وَهْمًا
كَمَا دَخَلُوا (لِلْبَيْتِ) أَوَّلَ مَرَّةٍ سَيَدْخُلُهُ (الْأَنْصَارُ) عَنْ أَنْفِكُمْ رَغْمًا
(جنید، ۲۰۱۸: ۲۸)

ترجمه: آری... ای طغیانگران زمین: ما نابودی شما هستیم. ترس شما از مردم ما توهم نبود. همانطور که برای اولین بار وارد (بیت المقدس) شدند؛ (انصار الله) بر خلاف میل شما وارد آن خواهند شد.

غیریت‌سازی از جمله راهبردهای برجسته‌سازی کلام است که باعث ایجاد دو قطبی خودی‌ها یا دوستان و غیرخودی‌ها می‌شود. شاعر در این دو بیت شعری با بهره‌گیری از واژگانی همچون «طغاة» و «نحن زوالکم» به قطبی‌سازی کلام پرداخته، آن را برجسته می‌کند. از سوی دیگر شاعر با یادآوری نخستین فتح بیت المقدس توسط مسلمانان و ارجاع به این واقعه تاریخی نه تنها قدرت مسلمانان را نشان می‌دهد؛ بلکه ویژگی شکست و ترس دشمنان صهیونیست را نیز برجسته می‌کند. همچنین این یادآوری می‌تواند بیانگر وحدت و همبستگی خودی‌ها باشد. وی در جای دیگر می‌گوید:

نَعْمَ هُوَ اللَّهُ يُعْطِي الْمُؤْمِنِينَ بِهِ مِنْ بَأْسِهِ هَيْبَةً... سُبْحَانَ مَنْ يَهْبُ
(همان، ۱۰۶)

ترجمه: آری، او خداست، به کسانی که به او ایمان دارند از قدرت خود، هیبت (ترس همراه با شکه و عظمت) می‌بخشد... منزّه است کسی که می‌بخشد.

«هو الله» که در این شعر ذکر شده است اشاره به یکی از ویژگی‌های خداوند است که در سوره توحید آمده است: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ترجمه: «بگو: حقیقت این است که خدا یکتاست». (ترجمه مکارم شیرازی). این عبارت به یگانگی و بی‌همتایی خداوند اشاره دارد و به نوعی قدرت و عظمت الهی را بیان می‌کند. کاربرد آن در این بیت شعر یادآور این حقیقت است که هیچ‌چیز نمی‌تواند از قدرت الهی فراتر باشد و در نتیجه، ترس دشمنان در برابر این مبارزان الهی، به نوعی بازتابی از ضعف آن‌ها در برابر این قدرت بی‌کران خداوند است.

واژه هیبه در این بیت شعری به معنای ترس همراه با شکوه و عظمت است که خداوند به واسطه مؤمنان در دل دشمنان می‌اندازد. الفاظ شعر به وضوح بر تأثیر مضامین قرآنی مقاومت در شعر انصارالله یمن دلالت دارد. واژه «نعم» تأکیدی بر مضمون جمله است که ترس و نگرانی دشمنان را نشان می‌دهد. یکی از کاربردهای این واژه در زبان عربی، تأکید بر جمله است. (دسوقی، ۲/۲۰۰۹: ۳۰۵) قرابت معنایی واژه‌هایی مانند «بأس» و «هیبه» نیز باعث برجسته شدن معنای ترس در دل دشمنان شده است. تناقض میان «بأس» و «یهب» نیز بیانگر دو جنبه متفاوت از صفات خداوند متعال است که باعث قطبی‌شدگی و برجسته‌سازی سخن شده است.

یکی از ویژگی‌های شعری انصارالله در حوزه مقاومت این است که کمتر به برجسته‌سازی نقاط منفی دشمنان می‌پردازد و به نظر می‌رسد این رویکرد نیز تحت تأثیر قرآن کریم باشد؛ چرا که در تحلیل گفتگوی حضرت موسی علیه‌السلام و فرعون در قرآن کریم، که در پرتو مربع ایدئولوژی وندایک تحلیل شده است، این مسأله نمایان است. (پاشازانوس و رحیمی، ۱۳۹۸: ۳۳) به عنوان نمونه، او در بیان ویژگی‌های مثبت خود، به فرعون می‌گوید: ﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ - حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنَا أَقُولُ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكَ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ (اعراف: ۱۰۴-۱۰۵) ترجمه: «و موسی گفت: ای فرعون! من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم. سزاوار است که بر خدا جز حق نگویم. من دلیل روشنی از پروردگارتان برای شما آورده‌ام؛ پس بنی اسرائیل را با من بفرست!». (ترجمه مکارم شیرازی) در این آیه، حضرت موسی (ع) در تلاش است تا ویژگی‌های مثبت خود را معرفی کند، مانند (فرستاده خدا بودن، سخن حق گفتن و آوردن دلیل روشن)، و در پی بیان ویژگی‌های منفی فرعون نیست. یا در جای دیگری می‌فرماید: ﴿وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَن جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ (قصص: ۳۷) ترجمه: «موسی گفت: پروردگارم از حال کسانی که هدایت را از نزد او آورده‌اند، و کسانی که عاقبت نیک سرای (دنیا و آخرت) از آن آنهاست آگاه‌تر است! مسلماً ظالمان رستگار نخواهند شد!». (ترجمه مکارم شیرازی) در این آیه، حضرت موسی (ع) ضمن تأکید بر ویژگی‌های مثبت خود، مانند هدایت و عاقبت به خیری، به‌طور غیرمستقیم و با تعریض، صفت ظلم را به فرعون نسبت می‌دهد. از این روی در اشعار معاذ جنید نیز برجسته‌کردن ویژگی‌های منفی دیگری را کمتر می‌بینیم و بیشتر بر نقاط مثبت خود متمرکز شده و آن را برجسته کرده است.

به حاشیه راندن نقاط ضعف جبهه خودی

۱- تعداد کم

در جنگ‌های صدر اسلام، همواره تعداد مؤمنان و کافران برابر نبوده است. قرآن کریم به دنبال کم اهمیت جلوه دادن و به حاشیه‌رانی این نابرابری آماری است و آیاتی نیز در این زمینه نازل شده که

مسلمانان را به نبرد فراخوانده است، مانند این آیه شریفه: ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره: ۲۴۹). ترجمه: «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند! و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان است.» (ترجمه مکارم شیرازی). در موارد دیگر نیز بر این مسأله تأکید شده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ ۚ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ ۚ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (انفال: ۶۵) ترجمه: «ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند!» (ترجمه مکارم شیرازی). معاذ جنید نیز چنین می‌سراید:

الْفَرْدُ يَبْلُغُ بَيْنَهُمْ مِائَةً... وَيَبْقَى فِي صُعُودِ
فَإِذَا التَّقِيَتْ بِوَاحِدٍ فَقُلُ التَّقِيْنَا بِالْعَدِيدِ
(جنید، ۲۰۱۸: ۲۶۱)

ترجمه: در میان آنها یک نفر از صد نفر بیشتر است... و همچنان در حال افزایش است. اگر با یکی برخورد کردی؛ بگو با خیلی برخورد داشتیم. شاعر در این بیت شعری با استفاده از آرایه بدیعی مبالغه در جمله «الْفَرْدُ يَبْلُغُ بَيْنَهُمْ مِائَةً» (بین آنها یک نفر از صد نفر بیشتر است)، قدرت و توانمندی مبارزان جبهه خودی را در حالی که تعداد کمی دارند، پررنگ و برجسته می‌کند. این استفاده از مبالغه باعث می‌شود که تعداد کم خودی‌ها کم‌اهمیت شده و به حاشیه رانده شود. در واقع، آرایه مبالغه به این معناست که فرد برای یک ویژگی، سطحی از شدت یا ضعف را بیان می‌کند که بسیار غریب یا دور از ذهن باشد. (فندرسکی، ۱۳۸۱: ۱۰۴) استفاده از واژه‌های «واحد» و «العدید» در بیت دوم نیز پیام مشابهی را منتقل می‌کند. همچنین، هم‌معنایی واژه‌های «یبلغ» و «صعود» نیز به این حاشیه‌رانی کمک می‌کند. وی در جای دیگر نیز چنین سروده است:

مَنْ إِلَى الدِّينِ يَنْتُمُونَ إِدْعَاءَ تَرْكُونَا... كَمَا تُرِكَتْ وَحِيدًا!!
نَحْنُ فِي كَرْبَلَاءَ مُنْذُ سَنِينَ كُلُّ يَوْمٍ نَعِيشُهَا تَجْسِيدًا
(جنید، ۲۰۱۸: ۲۷۵)

ترجمه: کسانی که از روی ادعا به دین وابستگی دارند، ما را ترک کردند... همانطور که تو تنها ماندی. ما سال‌ها در کربلا هستیم. هر روز، ما آن را به عنوان یک تجسم زندگی می‌کنیم. شاعر در این ابیات با بهره‌گیری از رمز و نماد (کربلا) تلاش دارد که تصویری از فداکاری، شهامت و عدالت‌خواهی را به تصویر بکشد و بیان کند که حتی تعداد کم یاران در این مسیر، ایشان

را از هدف باز نمی‌دارد و ویژگی تعداد کم نسبت به دشمن را به حاشیه براند. واژه «کل یوم»، «تجسید» تأکیدی بر عمق احساسات و ارتباط عاطفی با واقعه عاشورا و قیام علیه ظالمان با وجود تعداد کم است. از طرفی دیگر شاعر با استراتژی زبانی بزرگنمایی و استعاره تلاش دارد تا شجاعت خودی‌ها را برجسته‌سازی و تعداد کم را به حاشیه براند. ون دایک نیز معتقد است که گاهی فرایند برجسته‌سازی به واسطه استعاره صورت می‌گیرد (ون دایک، ۱۳۸۹: ۷۳۵).

۲- آسیب‌هایی که به مؤمنان می‌رسد

در قرآن کریم، آسیب‌هایی که به مؤمنان در جنگ می‌رسد به عنوان شکست واقعی محسوب نمی‌شود؛ زیرا خداوند به آن‌ها پاداش می‌دهد و شهادت و فداکاری در راه دین را تأیید می‌کند. از این روی قرآن کریم در صدد به حاشیه‌رانی و کاستن از اهمیت دنیایی و مادی آسیب‌هایی است که مؤمنان در جنگ می‌بینند؛ بنابراین، آن‌ها نباید با این آسیب‌ها روحیه خود را ببازند، زیرا سختی‌ها فرصتی برای تقویت ایمان و نزدیک‌تر شدن به خداوند هستند و باید به پاداش‌های اخروی امیدوار باشند. ﴿وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (نساء: ۷۴) ترجمه: «آن کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد.» (ترجمه مکارم شیرازی) در جای دیگر نیز می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا ۚ بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران: ۱۶۹) ترجمه: «(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.» (ترجمه مکارم شیرازی) و همچنین می‌فرماید: ﴿وَكَايْنٍ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَيْثُونٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهْنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا﴾ (آل عمران: ۱۴۶) ترجمه: «چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آن‌ها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند).» (ترجمه مکارم شیرازی) این آیات با تأکید بر ارزش اخروی آسیب‌ها و سختی‌هایی که مؤمنان در راه خدا متحمل می‌شوند، اهمیت بالای معنوی و اخروی آن‌ها را نشان می‌دهد و از سوی دیگر اهمیت مادی و دنیوی این امور را کاهش داده و به حاشیه می‌راند.

شاعر نیز در این راستا چنین می‌سراید:

مِنْ كُلِّ جُحٍ فَيْك... تَهْرُمُ بَاطِلًا... وَتَقِيمُ حَقًّا

لا... لَنْ تَمُوتَ؛ لِأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ كَانَ عَلَيْهِ حَقًّا (جنید، ۲۰۱۸: ۱۶۷)

ترجمه: از هر زحمت... باطل را شکست می‌دهی... و حق را برپا می‌کنی... نه... تو هرگز نمی‌میری. زیرا وعده خداوند، حق و اجبی بر (عهده) اوست.

«جرح» در این بیت شعری استعاره مصرحه از آسیب‌هایی است که در رویارویی با دشمنان به خودی‌ها می‌رسد. شاعر با استراتژی قطب‌بندی («آن‌ها» در برابر «خودی‌ها») با استفاده از عبارات

«تهزم باطلا» در مقابل «تقیم حقا»، تلاش می‌کند تا اهمیت این آسیب‌ها را به حاشیه براند. در ادامه، الفاظ «لا» و «لن» بر مفهوم پیروزی بر دشمنان تأکید می‌کنند و کم‌اهمیت بودن آسیب‌ها را نشان می‌دهند. عبارت (لَنْ تَمُوتَ) (تو هرگز نمی‌میری) به مفهوم زندگی جاودانه شهدا اشاره دارد که در آیه ۱۶۹ آل عمران بیان شده است. عبارت (وعد الله) بیانگر این است که این مضمون، متأثر از اندیشه و نگاه دینی می‌باشد. وی همچنین می‌گوید:

مُصَابُ عَدُوِّهِمْ قَهْرٌ وَذُلٌّ مُصَابُهُمْ افْتِخَارٌ وَارْتِقَاءٌ
بِفَضْلِ عَطَاءٍ جَرَحَى الْحَرْبِ فُرْنَا يَنْصُرُ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ
(همان: ۲۶۰)

ترجمه: مصیبت‌های دشمن آنها، شکست و ذلت است و آسیب‌های ایشان سبب افتخار و رشد است. به لطف جانبازی مجروحان جنگ، پیروز شدیم. «به سبب یاری خداوند؛ و او هر کس را بخواهد یاری می‌دهد».

در بیت اول شاعر با آرایه مقابله همزمان به برجسته‌سازی ویژگی منفی دشمنان و به حاشیه‌رانی نقاط ضعف خودی‌ها پرداخته است. استراتژی زبانی هم معنایی در واژه‌های «قهر و ذل» و «افتخار و ارتقاء» در این فرایند موثر بوده است. مصرع دوم از بیت دوم نیز از آیه ۵ سوره روم اقتباس شده است، ﴿يَنْصُرُ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ ترجمه: «به سبب یاری خداوند؛ او هر کس را بخواهد یاری می‌دهد؛ و او صاحب قدرت و رحیم است.» (ترجمه مکارم شیرازی) بنابراین، مشخص می‌شود که این نوع اندیشه متأثر از تفکر دینی و اسلامی است، چنان‌که در آیه ۷۴ سوره نساء نیز بیان شده است که در راه مقاومت، هم پیروزی و هم شهادت مایه سعادت و رستگاری است و از این طریق، از اهمیت دنیوی این آسیب‌ها می‌کاهد.

۳- کمبود تجهیزات

یکی از اموری که قرآن کریم تلاش دارد که آن را حاشیه براند، مسأله کمبود تجهیزات و قدرت کمتر نسبت به دشمن است. قرآن کریم، مؤمنان را به پایداری فرا می‌خواند و بیان می‌کند که حتی با وجود این کمبودها، می‌توان با یاری خداوند بر دشمن پیروز شد، ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (آل عمران: ۱۲۳) ترجمه: «خداوند شما را در «بدر» یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت)؛ در حالی که شما (نسبت به آنها)، ناتوان بودید. پس، از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفت فرمان پیاپی نکنید)، تا شکر نعمت او را بجا آورده باشید!» (ترجمه مکارم شیرازی). معاذ جنید نیز در این زمینه چنین می‌سراید:

يَدَيْكَ قَلْبٌ بِحَبْلِ اللَّهِ مُتَصِلٌ مُوَاكِفًا كُلِّ أَنْوَاعِ السَّلَاحِ... وَفِي
مِنْهَا أُذِلَّتْ جُيُوشٌ وَاكْتَوَتْ دُؤُلُ عَلَيَّ يَدَيْكَ) الْكِلَاشِنْكُوفُ (قَادِفَةٌ
(جنید، ۲۰۱۸: ۶۹)

ترجمه: با انواع سلاح‌ها روبرویی... و در دستان تو قلبی است که به ریسمان خداوند متصل است. کلاشینکف روی دست شلیک می‌کند، ارتش‌ها از آن تحقیر شدند و دولت‌ها (در آتش) سوختند. شاعر در این بیت شعری از آرایه مقابله و استراتژی قطب‌بندی و دوگانه‌سازی برای ایجاد تقابل بین «ما» (مبارزان یمنی جبهه مقاومت) و «آن‌ها» (دشمنان باطل) استفاده کرده‌است. قراردادن انواع تجهیزات دشمن در برابر ایمان قوی خودی‌ها به عنوان سلاح، باعث شده که کمبود تجهیزات به حاشیه‌رانده و کم اهمیت جلوه داده شود. «حبل الله» استعاره مصرّحه از قرآن کریم است که به عنوان نماد ایمان و اعتماد به قدرت الهی بر این مفهوم تأکید می‌کند. کاربرد کلمه قرآنی «حبل الله» نیز دلیلی بر این ادعاست که این اندیشه تحت تأثیر تفکر دینی و قرآن کریم قرار دارد.

قُلُوبٌ لَمْ تَمْلِكْ غَيْرَ الْحِجَارَةِ

سَوْفَ نَهْزِمُكُمْ

وَسَوْفَ تَرَوُنَّ أَنَّ لَمْ تُبَالِغْ حِينَ قُلْنَا:

إِنَّ هَذِي الْأَرْضَ مَقْبَرَةُ الْغُرَاةِ... (همان: ۲۴۰)

ترجمه: اگر جز سنگ چیزی نداشته باشیم. شما را شکست خواهیم داد. خواهید دید که وقتی می‌گوییم اغراق نمی‌کنیم: که این سرزمین گورستان مهاجمان است.

شاعر در این شعر به حاشیه‌رانی نقطه ضعف کمبود تجهیزات می‌پردازد. در این شعر سنگ نمادی برای نشان دادن پلیداری حتی با کمترین تجهیزات و امکانات است. این نماد به‌ویژه در ادبیات مقاومت فلسطین مشهور شده است (ر. ک. عبداوی، ۲۰۱۷: ۶۴-۷۱). سنگ به عنوان ابزاری ساده و در دسترس، نماد پلیداری مبارزانی است که با کمترین امکانات در برابر دشمنی قدرتمند و مجهز می‌ایستند و تسلیم نمی‌شوند. شاعر با استفاده از این نماد درصدد بیان این مطلب است که حتی اگر به جای این تجهیزات کم فقط سنگ در دستان ما بود، باز هم شما را شکست می‌دادیم؛ بنابراین کمبود تجهیزات اهمیتی نداشته و به حاشیه رانده شده است. سنگ نمادی از سادگی تجهیزات و از طرفی دیگر دست‌نیافتنی بودن قدرت یمن در برابر دشمنان است چرا که قدرت واقعی آنها ایمان است. تشبیه یمن به قبرستان متجاوزان نیز در راستای به حاشیه راندن نقاط قوت دشمن و نقاط ضعف خودی است.

به حاشیه راندن نقاط قوت دشمن

۱- تعداد و تجهیزات زیاد دشمن

به حاشیه راندن نقاط قوت دشمن در ادبیات پایداری، روحیه جبهه خودی را تقویت می‌کند. این رویکرد با ایجاد امید و اعتماد به نفس در میان نیروهای خودی، آن‌ها را به مقاومت و پایداری بیشتر تشویق می‌کند و احساس برتری روانی را در مواجهه با دشمن افزایش می‌دهد. ادبیات قرآن کریم درباره مقاومت و مسائل جنگی به طور کلی سرشار از مژده و بشارت است و یکی از شرایط مهم برای ایجاد تحول را نترسیدن از تجهیزات و تعداد دشمن می‌داند و آن‌ها را عامل پیروزی نمی‌شمارد به عنوان مثال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ فَسَيَنْفِقُوهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ﴾ (انفال: ۳۶). ترجمه: «آن‌ها که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن (مردم) از راه خدا خرج می‌کنند؛ آنان این اموال را (که برای به دست آوردنش زحمت کشیده‌اند، در این راه) مصرف می‌کنند، اما مایه حسرت و اندوهشان خواهد شد؛ و سپس شکست خواهند خورد.» (ترجمه مکارم شیرازی) این آیه درباره ابوسفیان نازل شده که در جنگ احد دو هزار نفر را از برای جنگ با مسلمین استخدام و اجیر کرده بود و برخی معتقدند که درباره اطعام‌کنندگان و انفاق‌کنندگان روز جنگ بدر بوده است که اینان دوازده نفر از قریش بودند (طبرسی، ۱۹۹۵: ۴/۴۶۴). در خصوص تعداد زیاد دشمنان نیز می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (انفال: ۴۵). ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می‌شوید، ثابت قدم باشید! و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید!» (ترجمه مکارم شیرازی). معاذ جنید نیز در این زمینه می‌گوید:

۱-۱- تعداد زیاد دشمن

أَتَاكَ الْمُعْتَدُونَ وَهُمْ أَنَاسٌ وَعَادُوا مِنْ ثَرَاكَ وَهُمْ ضَبَابٌ!

(جنید، ۲۰۱۸: ۸۳)

ترجمه: متجاوزان نزد تو آمدند، در حالی که (بسان) انسان‌ها بودند، آن‌ها در حالی که شبیه مه بودند از خاک تو بازگشتند!

شاعر با بهره‌گیری از آرایه مقابله (آمدن دشمن به شکل انسان‌ها و بازگشتن به شکل مه) تلاش دارد تا ویژگی تعداد زیاد دشمنان را به حاشیه براند. عبارت (عادوا و هم ضباب) کنایه از شکست است. تشبیه بلیغ دشمنان به ضباب (مه) نیز تأکید دیگری بر به حاشیه‌راندن ویژگی تعداد لشکریان دشمن است. این تشبیه نشان‌دهنده نابودی و شکست کامل آن‌ها است. مه به سرعت محو می‌شود، و نمادی از ناتوانی و ناپایداری دشمنان پس از رویارویی با مقاومت و حق است. لفظ «ثری» نماد

وطن دوستی و برجسته‌سازی نقاط مثبت خودی‌هاست، در حالی که نقطه قوت دشمن را به حاشیه می‌برد. در جای دیگر نیز می‌گوید:

أَجِشْ ذَاكَ؟ أَمْ سَاعِي بَرِيدٍ بِهِ حَمَلُوا السَّلَاحَ لَنَا وَغَابُوا
جُنُودٌ فُرِعُوا مِنْ مُحْتَوَاهُمْ تَقَدَّمَهُمْ رُجُوعٌ وَانْسَحَابٌ
(همان: ۸۴)

ترجمه: این ارتش است؟ یا پستی؟ با آن برای ما سلاح آوردند و ناپدید شدند. آن‌ها سربازانی هستند که از محتوای اصلی خود تهی شدند. پیشروی آن‌ها بسان بازگشت و عقب‌نشینی است. شاعر با استفاده از استفهام انکاری، لشکریان دشمن را تحقیر و تمسخر کرده است. این مسأله در ادبیات و حتی قرآن کریم نیز مشاهده می‌شود، جایی که گاهی استفهام برای ریشخند و تمسخر به کار می‌رود (زرکشی، ۱۹۵۷: ۳۴۳). بدین ترتیب، شاعر نقطه قوت دشمن که فراوانی نیروی نظامی است را به حاشیه می‌راند و در بیت دوم با استفاده از صنعت تشبیه بر این به حاشیه‌رانی تأکید می‌کند، حتی پیشروی آن‌ها را به عنوان بازگشت و عقب‌نشینی بر می‌شمارد. تناسب میان واژگان «رجوع» و «انسحاب» نیز در به حاشیه‌رانی این نقطه قوت دشمن موثر است

۱-۲- تجهیزات زیاد دشمن

معاذ جنید در خصوص به حاشیه‌راندن ادوات نظامی زیاد دشمن نیز می‌گوید:

وَدَبَابَاهُمْ كَانَتْ حَدِيدًا وَلَكِنْ فِي يَدَيْكَ هَا احْتِطَابُ!
لَعَمْرُكَ قُلْ لَهُمْ: إِنَّ "الْأَبَاتِشِي" بِأَعْيُنٍ جَيْشِكَ الْعَاقِي دُبَابُ
(جنید، ۲۰۱۸: ۸۴)

ترجمه: و تانک‌ها (و خودروهای زرهی‌شان) از آهن بود! اما در دست‌های تو همچون هیزمی (برای سوختن) بودند. سوگند به جان تو به آن‌ها بگو: در چشم ارتش قدرتمند تو، هلیکوپترهای آپاچی بسان مگس هستند.

شاعر در این بیت با بهره‌گیری از استعاره مصرّحه کلمه (احتطاب: تهیه هیزم) برای تسخیر تجهیزات و جنگ‌افزارها دشمن، به تحقیر آنها پرداخته و این ویژگی مثبت را به حاشیه می‌راند. تشبیه هلیکوپتر آپاچی به مگس نیز نشان‌دهنده کم‌اهمیت شمردن تجهیزات دشمن و به حاشیه‌رانی این ویژگی است. شاعر در این ابیات افزون بر تحقیر دشمن، اعتماد به نفس و روحیه پیروزی را در نیروهای خودی تقویت می‌کند و نشان می‌دهد که هیچ سلاح و فناوری نمی‌تواند در برابر اراده و ایمان مقاومت پیروز شود. در جای دیگری نیز چنین سروده است:

قَدْ تَشْتَرُونَ سِلَاحَ كُلِّ الْأَرْضِ

لَكِنَّ الشَّجَاعَةَ وَالْإِرَادَةَ وَالصُّمُودَ

دَخَاثِرُ لَا تُشْتَرَى!؟

وَقَدْ امْتَلَكْنَاهَا... وَمَادَامَتْ بِحُوزِنَا (همان: ۲۴۰)

ترجمه: چه بسا شما سلاح‌های تمام زمین را بخريد. اما شجاعت، اراده و استواری، مهمات خریدنی نیست؟! ما مالک آن بوده‌ایم... و همیشه نزد ما بوده است.

وجهیت، به معنای نگرش یا نظر گوینده در مورد صحت گزاره‌ای است که توسط یک جمله بیان می‌شود (خاکپور و عقدایی، ۱۳۹۷: ۱۶). در زبان عربی، برای تحلیل وجهیت می‌توان به برخی حروفی که قبل از فعل قرار می‌گیرند و بر معنای آن اثر می‌گذارند توجه کرد (همان). وجود حرف «قد» قبل از «تشترون» بیانگر این است که نگاه شاعر به این تجهیزات به‌عنوان چیزی موقتی و غیر دائمی است؛ چرا که اولاً دشمن قادر به ساخت آنها نیست و بلکه آنها را می‌خرد، و از طرفی دیگر، این خریدن نیز امری احتمالی است. معاذ جنید با استراتژی زبانی قطبی‌سازی و آرایه مقابله، شجاعت، اراده و پایداری را در برابر این تجهیزات برجسته می‌کند که در به حاشیه‌رانی تجهیزات دشمن تأثیرگذار است. آرایه تضاد میان (تشترون) و (لا تشتري) توان نظامی دشمن را به حاشیه رانده و ویژگی مثبت خودی (شجاعت، اراده و استواری) را برجسته می‌کند.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که:

شعر معاذ جُنید نقش مهمی در بازتاب مضامین قرآنی و مفاهیم پایداری دارد و توانسته است اندیشه‌های قرآنی را در میان انصارالله یمن گسترش دهد. او با بهره‌گیری از شگردهای زبانی و ادبی متنوع، به‌ویژه غیریت‌سازی و هم‌معنایی، در پی برجسته‌سازی نقاط قوت «خودی‌ها» همچون ایمان، امداد الهی، آمادگی نظامی، وحدت، توکل، دعا و صبر است. در همین راستا، شاعر می‌کوشد نقاط ضعف دشمن را پررنگ کند و آنها را در برابر مخاطب برجسته سازد؛ ضعف‌هایی مانند مکر و نیرنگ، دوستی با کافران و ترس.

از سوی دیگر، جنید با مهارت‌های زبانی خود تلاش می‌کند تا نقاط ضعف خودی‌ها مانند کمی تعداد، آسیب‌پذیری‌ها و کمبود تجهیزات را به حاشیه براند و در مقابل، نقاط قوت دشمن مانند امکانات پیشرفته و نیروهای فراوان را کمرنگ جلوه دهد. بر اساس این تحلیل، دو محور اصلی در اشعار او برجسته است: نخست، برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها و دوم، به حاشیه‌راندن نقاط قوت دشمن؛ و هر دو محور به‌طور مستقیم از اندیشه‌های قرآنی الهام گرفته‌اند.

کتابنامه

قرآن کریم.

افضلی، زهرا، & غیاثیان، مریم سادات. (۱۴۰۱). «گفتمان کاوی نامه‌های امام علی (ع) به معاویه بر اساس رویکرد وندایک». *فصلنامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه*، ۱۰ (۳۸)، ۲۱-۱.

[10.22084/nahj.2022.26231.2811](https://doi.org/10.22084/nahj.2022.26231.2811)

امیدی، علی، & احمدی‌نژاد، حمید. (۱۳۹۷). «غیریت‌سازی خاکستری در شاهنامه فردوسی بر اساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه». *مطالعات ملی*، (۷۴/۲)، ۴۲-۲۳. [20.1001.1.1735059.1397.19.74.2.3](https://doi.org/10.1001.1.1735059.1397.19.74.2.3)

باقری، محمدحسین. (۱۴۰۲). «غیریت‌سازی گفتمان اسلام فقه‌ای بر اساس اندیشه امام خمینی (ره)». *فصلنامه علمی مطالعات میان‌فرهنگی*، ۱۸ (۵۵)، ۵۴-۳۳. دسترسی:

https://journals.iau.ir/article_705257.html

پاشازانوس، احمد، & رحیمی، معصومه. (۱۳۹۸). «تحلیل گفتگوی حضرت موسی و فرعون در سایه مربع ایدئولوژیک ون‌دایک». *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، (۲)، ۳۶-۲۱.

[10.22108/nrgs.2019.115440.1390](https://doi.org/10.22108/nrgs.2019.115440.1390)

التفتازانی، سعدالدین. (۲۰۰۱). *المطول شرح تلخیص مفتاح العلوم* (تحقیق عبدالحمید هنداوی). بیروت: دارالکتب العلمیة.

جنید، معاذ. (۲۰۱۸). *دیوان محمدیون* (ط ۱). یمن: مؤسسه محمدیون للثقافة و النشر.

حامدی شیروان، زهرا، & زرقانی، سیدمهدی. (۱۳۹۳). «تحلیل داستان رستم و شغاد بر اساس مربع ایدئولوژیک ون‌دایک». *مجله کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*، ۱۵ (۲۸)، ۱۲۹-۹۹.

[20.1001.1.17359589.1393.15.28.4.5](https://doi.org/10.1001.1.17359589.1393.15.28.4.5)

خاکپور، حسین، & عقدایی، فاطمه. (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان انتقادی امام محمدباقر خطاب به اهل دمشق بر مبنای نظریه فرکلاف و ون‌دایک». *فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی*، (۱)، ۳۲-۹.

[10.22081/jrla.2018.50189.1169](https://doi.org/10.22081/jrla.2018.50189.1169)

دسوقی، محمد عرفه. (۲۰۰۹). *حاشیة الدسوقی علی معنی اللبیب عن کتب الأعراب*. بیروت: دار و مکتبة الهلال.

زرکشی، محمد بن بهادر. (۱۹۵۷). *البرهان فی علوم القرآن* (ج ۲، ط ۱). بیروت: دار إحياء الكتب العربية.

سبتمبرنت. (۲۰۲۲، ۲۰ اکتبر). «من هو معاذ الجنید...! شاعر الحرب وبطل القوائد البالیستية» سبتمبر نت

<https://www.26sep.net>.

سویس اینفو (۲۰۲۱، ۰۸ آوریل). «الزوامل أداة إضافية فی أیدی الحوثیین فی حرب الیمن»

<https://www.swissinfo.ch>

سیدکامل، انور. (۲۰۱۷). «الوجود الحوثی فی الیمن: دراسة فی الجغرافیا السیاسیة». *مجله مرکز الخدمة للاستشارات البحثیة واللغات، کلیة الآداب، جامعة المنوفة*، (۵۶)، ۶۸-۱.

[10.21608/jocr.2017.135112](https://doi.org/10.21608/jocr.2017.135112)

سیدی، سیدحسین، & سالم، شیرین. (۱۳۹۱). «جلوه‌های پایداری در سروده‌های فدوی طوقان». *ادبیات*

پایداری، ۳(۶)، ۱۸۵-۲۰۸. [10.22103/jrl.2012.320](https://doi.org/10.22103/jrl.2012.320)

شجاعی، امیرنجات، & نظری، مهدی. (۱۳۹۶ش). *ادبیات فارسی*. تهران: انتشارات بین‌المللی گاج.

شمس قیس رازی، محمد. (۱۳۷۳ش). *المعجم* (ج ۱، به کوشش سیروس شمیسا). تهران: [بی‌ناشر].

صرفی، محمدرضا. (۱۳۹۳). «گستره ادبیات پایداری». *ادبیات پایداری*، ۶(۱۰)، ۲۰۷-۲۳۷. دسترسی:

<https://surl.li/fgqgon>

طاقتی، علیرضا، & آقای، هادی. (۱۳۹۸). «تأثیرپذیری جنبش‌های مقاومت اسلامی از گفتمان انقلاب

اسلامی در راستای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (موردپژوهی: جنبش انصارالله یمن)». در

همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی (الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز): مقالات اولین همایش

بین‌المللی گام دوم انقلاب (۱۶ بهمن ۱۳۹۸، صص ۲۱۲۴-۲۱۴۱).

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۸ش). *تفسیر المیزان* (ترجمه محمد باقر موسوی، ۲۰ ج). قم: جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

الطبرسی. (۱۹۹۵). *تفسیر مجمع البیان* (تحقیق لجنة من العلماء و المحققين الأخصائين). بیروت: مؤسسة

الأعلمی للمطبوعات.

عبدلوی، حفیظه. (۲۰۱۷). «رمز الحجر فی القصیده الفلسطینیة المعاصرة». *مجلة النقد والدراسات الأدبیة*

واللغویة، ۱۵(۱)، ۶۴-۷۱. دسترسی: <https://asjp.cerist.dz/en/article/133357>

فندرسکی، ابوطالب. (۱۳۸۱ش). *رساله بیان بدیع*. تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.

قادر، آزاده، سیدی، سیدحسین، & صدیقی، بهار. (۱۴۰۲). «بررسی بازنمود ایدئولوژی در گفتمان شعری

«الأرض و الجرح الذی لا ینفتح» أمل دنقل بر اساس مربع ایدئولوژیک ون‌دایک». *نشریه ادب عربی*

(دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران)، ۱۵(۱)، ۲۳-۴۲.

<https://doi.org/10.22059/jalit.2022.333611.612473>

قاسمی اصل، زینب، & نیازی، شهریار. (۱۳۹۸). «مطالعه ساخت‌های گفتمان‌مدار معنایی در روزنامه الحیاه

عربستان با تکیه بر الگوی ون‌دایک». *مجله زبان‌پژوهی*، ۱۱(۳۲)، ۳۳۱-۳۵۵.

[10.22051/jlr.2018.16523.1383](https://doi.org/10.22051/jlr.2018.16523.1383)

کنفانی، غسان. (۱۳۶۱ش). *ادبیات مقاومت در فلسطین/اشغالی* (ترجمه موسی اسوار). تهران: سروش.

کیانی، حسین، & میرقادر، سیدفضل‌الله. (۱۳۸۸). «شهید و جانباز در شعر ابراهیم طوقان، شاعر مقاومت

فلسطین». *ادبیات پایداری*، ۱(۱)، ۱۲۷-۱۴۲. دسترسی: <https://surl.li/uvwuns>

محمدی ری‌شهری، محمد، & طباطبایی، محمد کاظم، & حسینی، حمید. (۱۳۹۴ش). *منتخب میزان*

الحکمة. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰ش). *مجموعه آثار* (ج ۳). تهران: صدرا.

میرباقری فرد، سیدعلی اصغر، هاشمی، سیدمرتضی، & صفری‌فروشان، حکمت‌اله. (۱۳۹۰). «نقد و تحلیل

مبحث تقدیم و تأخیر در علم معانی (بر اساس بوستان سعدی)». *مجله شعرپژوهی (بوستان ادب -*

علوم اجتماعی و انسانی)، ۳(۳)، ۱۷۳-۱۹۹. <https://doi.org/10.22099/jba.2012.277>

میرحسینی، سیدمحمد، قاسمی حامد، مرتضی، & شاورانی، مسعود. (۱۳۸۹). «استقامت و پایداری در قرآن».

ادبیات پایداری، (۳)، ۵۸۹-۶۱۰. [10.22103/jrl.2012.309](https://doi.org/10.22103/jrl.2012.309)

میرصادقی، جمال. (۱۳۷۷ش). *جمال و میمنت: واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*. تهران: کتاب مهنار.

نبی‌زاده‌سرابندی، سیما. (۱۳۷۲ش). *تجزیه و تحلیل متن بر مبنای واژگان نشان‌دار و بی‌نشان* (پایان‌نامه

کارشناسی ارشد غیرمنتشره). دانشگاه شیراز، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

وبگاه المنتدی العربی لتحلیل السياسات الايرانية. (۱۳۹۸ش، ۱ آبان). «دوافع مساندة ایران للحوثیین فی

الیمین» <https://afaip.com>

ون‌دایک، تئون. (۱۳۸۹ش). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان (از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی)* (گروه

مترجمان، چاپ سوم). تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

ون‌دایک، تئون. (۱۳۹۴ش). *ایدئولوژی و گفتمان* (ترجمه محسن نوبخت). تهران: نشر سیاه‌رود.

یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳ش). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: انتشارات هرمس.

Transliterated References

Afzali, Zahra, & Ghiathiyani, Maryam Sadat. (1401sh). "Gofteman-kavi-ye Namaha-ye Imam Ali (a) be Mu'awiya bar Asas Ruykard-e Van Dijk." *Faslnameh Pazhuhashnameh Nahj al-Balagha*, 10(38), 1-21. doi:10.22084/nahj.2022.26231.2811 [in Persian]

Amidi, Ali, & Ahmadinejad, Hamid. (1397sh). "Gheyrīyat-sazi-ye Khākestari dar *Shahnameh-ye Ferdowsi* bar Asas Nazariyye-ye Gofteman-e Laclau va Mouffe." *Motale'at-e Melli*, (2/74), 23-42. doi:20.1001.1.1735059.1397.19.74.2.3 [in Persian]

Baqeri, Mohammad Hossein. (1402sh). "Gheyrīyat-sazi-ye Gofteman-e Eslām-e Feqāhati bar Asas Andishe-ye Imam Khomeini (r)." *Faslnameh-ye 'Elmi-ye Motale'at-e Miyān-Farhangī*, 18(55), 33-54. Access: https://journals.iau.ir/article_705257.html [in Persian]

Pashazanos, Ahmad, & Rahimi, Ma'sumeh. (1398sh). "Tahlil-e Goftoguy-e Hazrat Musa va Fir'awn dar Saye-ye Morabba'-ye Ideologik Van Dijk." *Pazhuhashhaye Zaban-shenākhti-ye Qur'an*, (2), 21-36. doi:10.22108/nrgs.2019.115440.1390 [in Persian]

al-Taftazani, Sa'd al-Din. (2001). *al-Mutawwal Sharh Talkhis Miftah al-'Ulum* (ed. Abd al-Hamid Hindawi). Bayrut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [in Arabic]

Junayd, Mu'adh. (2018). *Diwan Muhammadiyyun* (1st ed.). Yemen: Mu'assasat Muhammadiyyun li-l-Thaqafa wa al-Nashr. [in Arabic]

Hamidi Shirvan, Zahra, & Zargani, Seyyed Mahdi. (1393sh). "Tahlil-e Dastan-e Rostam va Shaghad bar Asas Morabba'-ye Ideologik Van Dijk." *Majalla-ye Kavoshnameh Zaban va Adabiyat-e Farsi*, 15(28), 99-129. doi:20.1001.1.17359589.1393.15.28.4.5 [in Persian]

Khakpur, Hossein, & Aqdai, Fatemeh. (1397sh). "Tahlil-e Gofteman-e Enteqadi-ye Imam Muhammad Baqir Khitab be Ahl-e Dimashq bar Mabna-ye Nazariyye-ye Fairclough va Van Dijk." *Faslnameh Motale'at-e Adabi-ye Motun-e Eslami*, (1), 9-32. doi:10.22081/jrla.2018.50189.1169 [in Persian]

- Dusuqi, Muhammad 'Arafa. (2009). *Hashiyat al-Dusuqi 'ala Mughni al-Labib 'an Kutub al-A'rab*. Bayrut: Dar wa Maktabat al-Hilal. [in Arabic]
- Zarkashi, Muhammad ibn Bahadur. (1957). *al-Burhan fi 'Ulum al-Qur'an* (Vol. 2, 1st ed.). Bayrut: Dar Ihya' al-Kutub al-'Arabiya. [in Arabic]
- SeptemberNet. (2022, October 20). "Man huwa Mu'adh al-Junayd...! Sha'ir al-Harb wa Batal al-Qasa'id al-Balistiyya." *September Net*. <https://www.26sep.net> [in Arabic]
- Swissinfo. (2021, April 8). "al-Zawamil Adat Idafiyya fi Aydi al-Huthiyyin fi Harb al-Yaman." <https://www.swissinfo.ch> [in Arabic]
- Sayyid Kamel, Anwar. (2017). "al-Wujud al-Huthi fi al-Yaman: Dirasah fi al-Jughrafiya al-Siyasiyya." *Majallat Markaz al-Khidma li-l-Istisharat al-Bahthiyya wa al-Lughat, Kuliyyat al-Adab, Jami'at al-Minufiyya*, (56), 1–68. doi:10.21608/jocr.2017.135112 [in Arabic]
- Seyyedi, Seyyed Hossein, & Salem, Shirin. (1391sh). "Jalveh-haye Paydari dar Sorudeh-haye Fadwa Tuqan." *Adabiyat-e Paydari*, 3(6), 185–208. doi:10.22103/jrl.2012.320 [in Persian]
- Shoja'i, Amir Nejat, & Nazari, Mahdi. (1396sh). *Adabiyat-e Farsi*. Tehran: Entesharat-e Beyn al-Melali-ye Gaj. [in Persian]
- Shams Qays Razi, Muhammad. (1373sh). *al-Mu'jam* (Vol. 1, ed. Sirus Shamisa). Tehran: [no publisher]. [in Persian]
- Sarafi, Mohammad Reza. (1393sh). "Gostareh-ye Adabiyat-e Paydari." *Adabiyat-e Paydari*, 6(10), 207–237. Access: <https://surl.li/fgqgon> [in Persian]
- Taqati, Alireza, & Aqa'i, Hadi. (1398sh). "Ta'sirpaziri-ye Jonbesh-haye Moqavemat-e Islami az Gofteman-e Enqelab-e Islami dar Raste-ye Tahaghogh-e Bayaniyyeh-ye Gam-e Dovvom-e Enqelab-e Islami (Case study: Jonbesh Ansarallah Yemen)." In *Hamayesh-e Beyn al-Melali-ye Gam-e Dovvom-e Enqelab-e Islami (Olgu-ye Nezam-e Enqelabi-ye Tamaddon-saz): Maqalat-e Avalin Hamayesh-e Beyn al-Melali-ye Gam-e Dovvom-e Enqelab* (Feb 2020, pp. 2124–2141). [in Persian]
- Tabataba'i, Muhammad Husayn. (1378sh). *Tafsir al-Mizan* (trans. Muhammad Baqir Mousavi, 20 vols.). Qom: Jame'at Modarresin Howzeh Elmiyeh Qom, Daftar Entesharat-e Eslami. [in Persian]
- al-Tabarsi. (1995). *Tafsir Majma' al-Bayan* (ed. Lajnat min al-'Ulama' wa al-Muhaqqiqin al-Ikhsa'iyyin). Bayrut: Mu'assasat al-A'lam li-l-Matbu'at. [in Arabic]
- Abdaoui, Hafiza. (2017). "Ramz al-Hajar fi al-Qasida al-Filastiniyya al-Mu'asira." *Majallat al-Naqd wa al-Dirasat al-Adabiyya wa al-Lughawiyya*, 5(1), 64–71. Access: <https://asjp.cerist.dz/en/article/133357> [in Arabic]
- Fandreski, Abu Talib. (1381sh). *Resaleh-ye Bayan-e Badi'*. Tehran: Daftar Tablighat-e Eslami. [in Persian]
- Qaderi, Azadeh, Seyyedi, Seyyed Hossein, & Sedighi, Bahar. (1402sh). "Barrasi-ye Baznamud-e Ideology dar Gofteman-e She'ri 'al-Ard wa al-Jurh alladhi la Yanftah' Amal Dunqul bar Asas Morabba'-ye Ideologik Van Dijk." *Nashriyeh Adab-e Arabi (Daneshkadeh Adabiyat va Olum Ensani, Daneshgah Tehran)*, 15(1), 23–42. <https://doi.org/10.22059/jalit.2022.333611.612473> [in Persian]
- Qasemi Asl, Zeinab, & Niazi, Shahriar. (1398sh). "Motale'eh-ye Sakht-haye Gofteman-madar-e Ma'nayi dar Rouznāme al-Hayat-e Arabestan ba Takkiyeh bar Olgu-ye Van Dijk." *Majalla-ye Zabanpazhuhi*, 11(32), 331–355. doi:10.22051/jlr.2018.16523.1383 [in Persian]

- Kanafani, Ghassan. (1361sh). *Adabiyat-e Moqavemat dar Filastin-e Eshghali* (trans. Mousa Aswar). Tehran: Soroush. [in Persian]
- Kiani, Hossein, & Mir Qaderi, Seyyed Fazl Allah. (1388sh). "Shahid va Janbaz dar Shi'r Ibrahim Tuqan, Sha'ir-e Moqavemat-e Filastin." *Adabiyat-e Paydari*, (1), 127–142. Access: <https://surl.li/uvwuns> [in Persian]
- Mohammadi Reyshahri, Muhammad, Tabataba'i, Muhammad Kazem, & Hosseini, Hamid. (1394sh). *Montakhab Mizan al-Hikma*. Qom: Mo'asseseh-ye Elmi Farhangi Dar al-Hadith, Sazman Chap va Nashr. [in Persian]
- Motahhari, Morteza. (1390sh). *Majmu'eh Asar* (Vol. 3). Tehran: Sadra. [in Persian]
- Mirbagheri-Fard, Seyyed Ali Asghar, Hashemi, Seyyed Morteza, & Safari-Foroushani, Hekmat Allah. (1390sh). "Naqd va Tahlil-e Mabhath-e Taqdim va Ta'khir dar 'Ilm al-Ma'ani (Bar Asas *Bustan-e Sa'di*).” *Majalla-ye She'rpazhuhi (Bustan-e Adab – Olum-e Ejtemai va Ensani)*, 3(3), 173–199. [in Persian]
- Mirhosseini, Seyyed Muhammad, Ghasemi Hamed, Morteza, & Shavarani, Masoud. (1389sh). "Esteqamat va Paydari dar Qur'an." *Adabiyat-e Paydari*, (3), 589–610. doi:10.22103/jrl.2012.309 [in Persian]
- Mirsadeqi, Jamal. (1377sh). *Jamal va Mimonat: Vajeh-nameh Honar-e Dastan-nevisi*. Tehran: Ketab-e Mahnaz. [in Persian]
- Nabi-zadeh Sarabandi, Sima. (1372sh). *Tajziyeh va Tahlil-e Matn bar Mabna-ye Vajegan-e Nishandar va Bi-Nishan* (Unpublished master's thesis). University of Shiraz, Ministry of Science, Research, and Technology. [in Persian]
- Webgah al-Muntada al-'Arabi li-Tahlil al-Siyasat al-Iraniyya. (1398sh, Aban 1). "Dawafe' Musanadat Iran li-l-Huthiyyin fi al-Yaman." <https://afaip.com> [in Arabic]
- van Dijk, Teun. (1389sh). *Motale'ati dar Tahlil-e Gofteman (az Dastur-e Matn ta Gofteman-kavi-ye Enteqadi)* (Goruh-e Motarjeman, 3rd ed.). Tehran: Daftar Motale'at va Tose'eh Rasaneha. [in Persian]
- van Dijk, Teun. (1394sh). *Ideology va Gofteman* (trans. Mohsen Nobakht). Tehran: Nashr-e Siahroud. [in Persian]
- Yarmohammadi, Lotf Allah. (1383sh). *Gofteman-shenasi-ye Rayej va Enteqadi*. Tehran: Entesharat-e Hermes. [in Persian]

Reflection of Qur'anic Themes of Resistance in the Poetry of Yemen's Ansar Allah (A Case Study: The Poems of Ma'adh Junaid)

Ahmad Omidvar*

(Assistant Professor, Department of Qur'an Exegesis and Sciences, University of Qur'an Sciences and Teachings, Qom, Iran)

Abstract

This article examines the reflection of Quranic themes of resistance in the poetry of Ansar Allah Yemen, focusing on the works of Muadh Junaid. The study is based on the hypothesis that Muadh Junaid's poetry serves not only as a medium for expressing the emotions and aspirations of Ansar Allah but also as a tool for conveying Quranic concepts and religious inspirations. The research methodology employed in this article is descriptive-analytical. The significance of this topic lies in gaining a deeper understanding of the Quranic themes in Ansar Allah's resistance poetry and the role of literature in reinforcing these themes. The findings reveal that Muadh Junaid's poems are profoundly influenced by Quranic themes of resistance. The poet employs rhetorical techniques and linguistic strategies, such as polarization and synonymy, to highlight the strengths of the self (faith, divine support, military readiness, reliance on God, patience) and the weaknesses of the enemy (deception, allegiance to non-believers, fear). On the other hand, he strategically minimizes the weaknesses of the self (limited numbers, vulnerabilities, lack of equipment) and downplays the positive attributes of the enemy (abundance of numbers and resources). Furthermore, this study demonstrates how poetry functions as a vehicle for transmitting Quranic messages of resistance.

Keywords: Holy Quran, resistance, Ansar Allah, Muadh Junaid

Extended Abstract

Introduction

This study examines how the Qur'an functions as a source text for contemporary resistance literature through a case study of Mu'adh al-Junaid, a prominent Yemeni poet affiliated with Ansarallah (the Houthi movement). While Arab and Persian scholarship has explored resistance motifs in major Yemeni poets (e.g., al-Baradouni, al-Zubayri, al-Maqaleh), no prior work focuses on Junaid or on the post-takeover period in which Ansarallah transitions from insurgency to governance. Situated within a broader field where Islamic-Shi'i movements (Hezbollah, Ansarallah, Hashd al-Sha'bi) shape regional politics and discourse, Junaid's poetry articulates a distinctly Qur'an-inflected resistance idiom that complements vernacular "zawamil" (short martial chants) with polished, fusha verse. The article argues that the core Qur'anic concepts of jihad, sabr (steadfast

patience), tawakkul (trust in God), divine support, covenantal fidelity, and eschatological reward are not merely referenced but structurally organize Junaid's poetics and his rhetoric of mobilization, morale, and legitimation. The research asks two questions: (1) Which Qur'anic motifs of resistance are most salient in Junaid's verse? (2) What linguistic strategies does he deploy to encode these motifs and to elevate "our" strengths while diminishing the enemy's perceived advantages? The contribution is twofold: it fills a textual gap by offering the first sustained analysis of Junaid's corpus (with special attention to his 2018 diwan Muhammadiyyun) and it proposes a Qur'an-based framework for reading contemporary Yemeni resistance poetry after the movement's ascent to power.

Methodology

The study uses a qualitative, multi-layered textual analysis. First, it identifies Qur'anic thematic fields related to resistance—steadfastness (*istiqama*), patience (*sabr*), divine aid, trust (*tawakkul*), unity, and lawful struggle—as well as counter-themes about the adversary (deceit, alliance with unbelievers, fear cast into opponents' hearts). These are drawn from verses on steadfastness (e.g., Hud 112; Fussilat 30; al-Anfal 46, 65), divine support (Al 'Imran 126; al-Saff 14), reliance on God (Al 'Imran 173; al-Ma'ida 23), and martyrdom and reward (al-Nisa' 74; Al 'Imran 169). Second, it performs close readings of representative poems from Muhammadiyyun and other pieces disseminated as audio-visual clips, mapping explicit citations, paraphrases, and allusions (*iqtibas* and *talmih*) to those Qur'anic loci. Third, it applies critical discourse analysis tools (after van Dijk) to track rhetorical strategies that structure in-group/out-group polarization, including synonymy (stacking near-equivalent terms to amplify a claim), antithesis and binary framing, evaluative lexis (marked vs. unmarked word choice), metaphor and simile, irony, and intertextual echo. Particular attention is paid to how poetic form (parallelism, incremental repetition, cadence) assists thematic emphasis. Finally, the readings are interpreted within the movement's communicative ecology—vernacular "zawamil," official festivals, battlefield morale—and within a longer tradition of Arabic resistance literature (Kanafani; later Yemeni voices), to highlight continuities and innovations.

Results

The Qur'an reframes "resistance" not as a modern slogan (*muqāwama*) but as a cluster of virtues—*istiqāma* (upright perseverance), *sabr* (patience), *tawakkul* (trust in God), defensive *jihād*, and confidence in divine aid. Junaid's poems internalize this lexicon: victories are credited to God, steadfastness is weaponized, and reliance on God is cast as a counter-technology stronger than hardware. Four self-profiling pillars recur: (a) faith/divine support ("victory is only from God") amplified through synonym stacking; (b) preparedness, localizing "prepare what force you can" via images of disciplined fighters and

improvised launchers; (c) tawakkul, echoing “hasbunā Allāh” against superior coalitions; and (d) sabr literalized as armament, with intertexts like “pour upon us patience” (2:250) turning endurance into operational power.

The poetry also otherizes opponents through Qur’anic diagnostics: (a) deceit and conspiracy (“they scheme, and God schemes”) unmask hypocrisy; (b) alliances with unbelievers/tyrants mark local rivals as scripturally disqualified, often reinforced by Karbalā-coded allusions; and (c) God-cast fear (ru’b) dissolves enemy resolve (“like mist”). In parallel, in-group liabilities are downplayed by Qur’anic valuation: fewness becomes spiritual surplus (“one equals a hundred”); wounds and losses are recoded as engines of justice and martyr-life with God; and scant materiel is offset by the “rope of God,” with courage and resolve trumping arsenals.

Perceived enemy strengths are linguistically miniaturized: massed troops are mocked by interrogatives and similes (“fog”); advanced weapons are reduced to “firewood” or “flies,” while modality (“they may buy every weapon...”) marks technology as contingent, versus inalienable virtues—courage, will, steadfastness. Form and style serve the message: synonym clusters, antithesis, parallelism, and intertextual quotation provide emphasis and rhythm; pronouns and word order enact polarization; and talmīh to David–Goliath, the People of the Elephant, early conquests, and Karbalā situates the present within sacred history. Notably, echoing the Qur’anic Moses–Pharaoh dialogue, Junaid more often magnifies in-group virtues than catalogs enemy vices, privileging positive self-definition.

Contextually, unlike earlier Yemeni resistance verse centered on insurgency, Junaid writes amid and after Ansarallah’s institutional ascent, so “resistance” includes governance—order, unity, morale—while retaining militant imagery. The Qur’anic lens stabilizes this dual role by grounding both combat and cohesion in the same virtues: sabr, tawakkul, and justice.

Conclusion

Junaid’s resistance poetics are not merely ornamented with scripture; they are architected by a Qur’anic semantics of steadfastness, reliance, preparedness, and moral inversion. The poetry operationalizes two linked strategies: (1) foregrounding the movement’s Qur’an-coded strengths (faith, divine aid, readiness, trust, patience, unity) through synonymy, intertext, and martial metaphor; and (2) backgrounding both in-group liabilities (small numbers, casualties, thin arsenals) and enemy strengths (mass, technology) by redescribing them within a higher moral calculus where justice and perseverance determine outcomes. Enemy attributes are delegitimized via Qur’anic diagnostics (deceit, wrongful alliances) and depicted as fragile before divinely supported steadfastness. As an intervention in Yemeni and wider Arab resistance literature, this study shows how Qur’anic discourse does not merely supply citations but furnishes the evaluative rules by which victory is narrated, fear is redistributed,

and political identity is sacralized. It also clarifies why Junaid's verse functions effectively as morale work, propaganda, and historical record: it ties present struggle to sacred paradigms, translating doctrine into affect and action. Future research could extend this Qur'an-anchored method to other Ansarallah poets and to cross-movement comparisons, testing how scripture is rhetorically localized across different arenas of contemporary resistance.